

دوره نهم تقنینیه

جلسه ۵۷

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

( بدون مذاکرات قبل از دستور )

۱۰ دی ۱۳۱۲ - ۱۳ رمضان ۱۳۰۲

شماره مسلسل : ۶۰۹

قیمت اشتراک } مالیات  
داخله : ۲۰۰ ریال  
خارجه : ۱۰۰ ریال  
تک شماره : دو ریال

مطبعه مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس یکشنبه ۱۰ دی ماه ۱۳۱۲ ☞ ( ۱۳ رمضان ۱۳۵۲ )

## فهرست مذاکرات

- |   |   |
|---|---|
| ۱ - تصویب صورت مجلس   | ۴ - شور اول لایحه فروش غنسی از خالصجات و کنگ بانک<br>قلاحتی |
| ۲ - تقدیم و تصویب لایحه تقاضای برداشت مبلغی جهت ساختمان<br>عمارت برای اداره ثبت اسناد و املاک | ۱ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه                        |

( مجلس هشت ساعت و بیست دقیقه بعد از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید )

صورت مجلس پنجشنبه ۷ دی ماه را آقای مؤید احمدی ( منشی ) قرائت نمودند ☞☞

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ ( گفته شد -  
خیر ) صورت مجلس تصویب شد. آقای وزیر عدلیه  
[ ۳ - تقدیم و تصویب لایحه تقاضای برداشت مبلغی  
جهت ساختمان عمارت برای اداره ثبت اسناد و املاک ]  
وزیر عدلیه ( آقای صدر ) - لایحه ایست تقدیم میکنم  
و مقدمه که لازم است خدمت آقایان عرض بکنم این  
است که البته ذهن همه آقایان متوجه است باین که اداره  
ثبت املاک اداره ایست که در حقیقت محل حفظ ناموس  
مالکیت مردم است در غیر متقول بطور کلی و تمام اوراقی  
که بعد از زحمتهای و سالها محاکمه و اعتراض و جواب و

مراقبه و زحمتهای تجدید حدود محلی و اختلافات  
سرحدی رفع می شود بالآخره نتیجه اش همان ورقه ایست  
که دست مردم داده می شود ولی این يك ورقه ایست و  
ثبت سراو در محفظه اداره ثبت كل هزار ورقه است از  
هر جهت جریان او را تا باین جا که رسیده است و منتهی  
بصدور سند مالکیت شده است يك دوسیه ها و يك اوراقی  
است و بعد از تمامیت آن دوسیه ها دفتر ثبت املاک است  
دفتر ثبت املاک را البته آقایان دیده اند دفترهای خیلی  
بزرگی است با کاغذهای مخصوص چاپخانه و نمره های  
مخصوصی که بانوارهای مخصوص بسته شده است باند

☞ عن مذاکرات مشروح پنجاه و هفتمین جلسه از دوره نهم تقنینیه ( مطابق قانون ۱۲۰۵ )

دائر تند نویسی و تحریر صورت مجلس

☞ اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان ، رهنما - علوجی - ملک زاده آملی - اسفندیاری - یاستنی - وکیل - محمود کاتبی - یونس آقا و هاراده  
کورس - عمراز - کازرونی

شده است پلمب شده است که بهیچوجه قابل دسترس و دستبرد نیست و اینها دفاتر خیلی زیادی خواهد بود برای اینکه يك ملك كه ثبت شد ممكن است چندین سال ده سال پانزده سال سی سال پنجاه سال صدسال انتقالی بعد از ثبت پیدا بکند یا انتقالان لهری که پارت میرسد و تجزیه می شود و یا انتقال اختیاری و همه اینها ذیل آن باید ثبت شود و بالاخره سند مالکیت مردم همان دفاتر است زیرا اوراقی که در دسترس مردم است قابل تلف شدن است قابل سوختن است و اینها يك محفظه های لازم دارد همانطور که در همه جای دنیا هست و باید مصون از حریق و خرابی از رطوبت از فشار از حوادث از همه اینها باشد الا آن باینکه هنوز خیلی زیاد نشده ولی دارد کم کم زیاد می شود الا آن شش هفت سال است و حالا دارد زیاد می شود و حسن احتیاج زیاد شده است بهیچوجه جای و فعلاً اداره ثبت اسناد مرکز يك خانه های را اجاره کرده است و سالی نه هزار تومان اجاره میدهد و بدترین جاها است از نقطه نظر محل و بعضی اینکه وسط شهر واقع شده است مجبور شده است آن جاها را بگیرد ولی خیلی جای بدی است اطاقهای مرطوب و زیر زمین های بد و خیلی وضع بدی است کوچک هم هست هیچ جا هم ثبت الا آن دفاتر ثبت بابل و ساری را چون رطوبت دارد فاسد می کند دارند میفرستند بتهران و گذشته از این همه این دفاتر باید دو نسخه باشد يك نسخه در مراکز مستقل ایالات و ولایات است يك نسخه هم در مرکز بنا بر این يك حاجت شدیدی متناسب با این وضع پیدا شده است برای مکان و اسباب در خیال افتادیم که يك جای در بهار آینده بسازیم الا این که بواسطه يك جهانی که نمی خواهم عرض کنم و آقایان البته مسبق هستند که بودجه ها يك قدری مضیق است و نمی توان بر بودجه دولت برای این ساختمان افزود يك فکری در این باب شده است و آن این است که اداره بنا بر املاک از وقتی که ثبت عمومی شروع شد نمی توانست يك مخارج مقدماتی علی الحساب بگیرد مخارج مقدماتی یعنی مخارج مقدمات ثبت و جریان امر یعنی از قبیل اعلانی که در جریان

می شود و ایشانات و بعضی مخارج دیگر خرج بلاک مثلاً راز این قبیل و چون نمی توانست برای هر کس يك حساب مخصوصی باز کند زیرا وقتی که اعلان بکند يك ناحیه را که مشتمل بر دو هزار سه هزار نمره بلاک نمی تواند برای هر کس يك حساب باز کند بعد باز حساب پس بدهد یا اگر زیاد است پیش بدهد و اگر کم است از شش بگیرد قرار شد که يك وجه مقطوعی بگیرد آن وجه مقطوع هم بر آورد شده است از روی تجربه یعنی قدری که خرج می شود نهایت يك احتیاطی هم شده است برای اینکه اگر آن جریان اتفاقاً غلط درآمد یا بدنامت اشتباه صاحب ملك يك پلاکی يك نمره را عوضی زدند یا بدنامت اشتباه اداره منظور شد مثلاً باید این اعلانات و کارها تجدید شود البته این مستلزم يك خرجی است و این خرج را احتیاطاً اداره مراعات کرده است ولی نه در همه حالتش این برای اتفاق است همیشه که پیش نمی آید بنابراین این وجه دیگر بهیچوجه متعلق باشخاص نیست و معلوم هم نیست که بالاخره وقتی کار ثبت املاک ایران تمام شد چیزی باقی بماند از این پول آن هم معلوم نیست شاید بماند شاید هم نماند ولی از آن جایی که اداره ثبت املاک فعلاً مخارج مقدماتی راز مردم میگیرد و بعداً جریان میدهد ثبت را و بسا هست که اعتراضاتی در آن می شود و محاکماتی وارد می شود در کار و چند سال طول می کشد باین مناسبت این محل يك قدری می ماند چنانچه الا آن در تمام ثبت ها در مرکز و ولایات در حدود دو بیست و پنجاه شصت هزار تومان باختلاف در همه ادارات ثبت این مقدار پول موجود است و این پول گاهی ازش کم می شود زیرا که مخارج میشود برای همان چیزهای که از مردم گرفته اند و مخارج میشود يك مقدارش ولی این البته تدریجی است البته يك نقطه هم هست که هنوز اعلان ثبت در آنجاها منتشر نشده و اداره ثبت در آنجاها تشکیل نشده بدها از آنجاها هم پول مقدماتی گرفته می شود و افزوده میشود پس نده پانزده بیست سال دیگر که کار ثبت املاک ایران تمام شود حدس میزنیم یعنی حدس قطعی که این مقدار پول در صندوق اداره ثبت اسناد موجود خواهد بود که کم و زیاد می شود و جایش می آید و اینها را برای اینکه

خودش نمی توانسته است نگاه دارد در بانکها گذاشته است صدی يك و نیم صدی دو صدی دو و نیم باختلاف منافع میگیرد این منافع هم تقریباً رو به مرده سالی پنج شش هزار تومان می شود که میگیرد از طرفی هم سالی نه هزار تومان همین اداره ثبت املاک مرکز گراه ملک میدهد که در بودجه عدلیه منظور است حال خیال بر این شده است که از این پولی که فعلاً گرفته شده و فعلاً موجود است و متعلق باشخاص هم نیست یعنی مقطوعاً دولت گرفته است که برای آنها خرجی بکند و متعهد خرج است و متعهد اصلاح امر ثبت مردم است از این پول که فعلاً بیکار است و بانکها بمنافع کسی داده می شود و این گراه گزافی که میدهد یا ملاحظه آن لزوم ساختمان محلی برای ثبت در حدود هشتاد هزار تومان فرض بشود از این محل و سالی چهارده پانزده هزار تومان استهلاک جای آن گذاشته شود که پر کند منتهی اینکه نه اینکه از این پول دولت خواسته باشد يك صرفه جوی کرده باشد و يك ساختمانی بکند - فرض میکند و از بودجه دولت یعنی مخارجی که از برای گراه منظور شده است و منافی که قهراً از این پول حاصل می شود فعلاً جایش بگذارد این را اگر آقایان توجه داشته باشند تصور میکنم خیلی روشن و منطقی است و رافع احتیاجات خود مردم است و این فقط از برای خود مردم است و این است که فوریتش را تقاضا می کنم برای اینکه لازم است و تهیه ساختمان البته باید زودتر بشود و تکلیف معلوم شود. تقدیم میکنم.

(لایحه و تقدیم مقام ریاست نمودند و بشرح ذیل قرائت شد) ساحت محترم مجلس شورای ملی

نظر باینکه اداره کل ثبت اسناد و املاک سالیانه فقط در طهران مبلغ نود هزار ریال مال الاجاره محل میدهد در صورتیکه امکان فعلی آن بهیچوجه متناسب با وضعیت يك اداره دولتی مخصوصاً اداره ثبت که محتاج به اطاقهای کافی مصون از رطوبت و سایر حوادث برای حفاظت دوسپه های ثبت املاک است نمیشاند و بنا بر این ساختمان عمارت مخصوصی برای اداره مزبور هم از حیث رفع احتیاج وهم از حیث صرفه در بودجه مملکتی اشد لزوم را دارد لذا ماده واحده ذیل پیشنهاد و تقاضای

تصویب آنرا مینماید.

ماده واحده - منافع حاصله از وجوهی که بابت مخارج مقدماتی ثبت اخذ شده و با می شود متعلق بدولت است و وزارت عدلیه مجاز است از اصل وجوه مزبور نامه اول هشتصد هزار ریال برای مخارج ساختن عمارتیکه برای اداره کل ثبت اسناد و املاک در طهران لازم است برداشت نماید

منافع مذکور فوق از اول فروردین ۱۳۱۳ بمد و همچنین مبلغ نود هزار ریال که در بودجه مرکزی اداره کل ثبت اسناد و املاک بابت مال الاجاره امکان منظور میگردد. از اول فروردین ۱۳۱۴ بمد به صرف استهلاك مبلغ هشتصد هزار ریال که بر طبق اجازه فوق برداشت میشود خواهد رسید.

رئیس - فوریت مطرح است. آقای طهرانی.

طهرانی - در فوریت عرضی ندارم در اصل موضوع رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) آقایانیکه با فوریت موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد خود ماده واحده مطرح است. آقای طهرانی.

طهرانی - بنده در فرا کسیون يك شمه عرضی خودم را عرض کردم البته همانطور که آقای وزیر عدلیه فرمودند برای اداره ثبت اسناد يك عملی که بتواند یعنی اقتضای داشته باشد که اسناد و دفاتر در آنجا محفوظ بماند این خیلی لازم است و تصور هم میکنم که دیر شده خوب مثل سایر دوائر و ادارات و خرجهایی که برای مملکت لازم است و پیش می آید این هم یکی و بعفیده بنده باید در بودجه مملکتی پیش بینی بشود و اگر نشده باید بشود و ساخته شود و مانعی هم ندارد. اما مسئله که آقای وزیر عدلیه فرمودند که از يك وجوهی که از مردم برای مخارج مقدماتی ثبت گرفته شده است برای املاک خودشان گرفته شده است از مردم اجازه دادن که از این وجوه فرض شود و بتالی ساخته شود بعد هم همانطور که فرمودند بطور استهلاك از آن اجاره که میدهد اداره ثبت یا از آن صدی دو و نیم با صدی يك و نیم که از بانکها میگیرند یا از هر محل دیگری بدهند نامستهلک شود بنده

نمیدانم چرا این کار را می کنند مثل اینکه سابقه هم دارد این جا برای معادن شمشک هم يك کارهایی میخواستند بکنند منتهی آمدند و پیشنهاد دادند که از بانک ملی يك قرض بکنند و بعد هم از عایدات آن محل قروض را بپردازند و این چاهم بنده تصور میکنم این نیتی را که آقای وزیر عدلیه دارند بسیار نیت مقدس و فکر بسیار خوب و عالی است ولی این پول را خوب است از بانک ملی قرض کنند و آن محل استهلاک را که برای پرداخت تهیه می کنند بیانك ملی بدهند ولی این وجوهی که مال مردم است که از مردم گرفته میشود و گرفته شده برای جریان نیت املاک شان بر قرض هم يك چیزی از این محل زیاد بیاید بعقیده بنده باید منافعی را هم رویش گذاشت و اگر هم بنا نشد بصاحبانش رد شود یعنی همانطور که فرمودند ممکن نشد بدهند چون يك حسابهای منظم و مرتبی نمی شد نگاه داشت که پس بدهند بعد از اتمام عمل خوشت در هر کجا خرج يك مرصخانه خرج يك چیزهای عمومی که عموم مردم بتوانند از آن استفاده کنند بشود - محل اداره نیت اسناد از وظایف حتمیه دولت است که باید از بودجه عمومی بسازد و اسناد و دفتر و چیزهای مردم هم در آنجا محفوظ بماند ولی این قعلا چون يك مالی است مجهول و از مردم گرفته شده است و چون در آخر هم برای پرداخت آن وسائل در دست نیست که بصاحبانش پس بدهند این را بنده تصور میکنم چون نه يك مالیاتی است نه يك چیزی است هیچ چیز نیست هیچ چیز نیست يك تر فیسی ندارد این را خوشت بيك مصرف عمومی و عام المنفعه بر ضد مرصخانه بسازند دارالایتم بسازند يك چیزهایی که منافعی عاید عموم بشود ساخته شود و برای اداره نیت و ساخته - ان آن هم تصور میکنم آقای وزیر عدلیه خیلی راه سهل تری دارند يك پیشنهادی میدهند از بانک ملی قرض میکنند هشتاد هزار تومان بعد از آن محل هائی که فرمودند (محل استهلاک) بیانك بدهند و اصل را مستهلك کنند بر قرض حالا این اجازه داده شود و گفته شود که از همان صد يك و نیم یا صدی

دو و نیم که از بانک نیت اسناد میکرد بپردازند قرض اولی را ولی از اصل این پول برداشته شود بعد بطور استهلاک مجدداً سرچایش گذاشته شود این را بنده تصور میکنم که يك چیز خوبی بالاخره از آب در نیاید این اگر چیزی م مانده است یا بماند باید صرف يك عماله عام المنفعه که عرض کردم بشود.

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - اینجا باعتقاد بنده يك دقت زیادتری لازم بود حضرت آقای طهرانی . عرض کنم که این وجوه را وقتی که مردم تقاضی میکنند نیت يك ملكی را .. ( طهرانی - مفهوم آقا ) ( خنده نمایندگان ) بی ماهم فهمیدیم ولی باز هم يك اشکالاتی هست عرض میکنم که يك وجوهی را بطور موقوف میدهند اداره نیت اسناد و در ازای دادن این وجه اداره نیت مكلف و متعهد است انجام يك تشریفاتی را برای نیت پس این وجه از طرف تأدیبه کننده رد شده است در ازای يك اعمالی و يك تشریفاتی و مال او دیگر نیست این وجه را از آن طرف متعلق بخزانة دولت هم نیست چرا ؟ برای اینکه دولت باید جریان بدهد يك مخارجی را برای نیت املاک و رفقات مردم پس از این جهت هم دولت نمیتواند این وجوه را نقل بخزانة بکند بقول فرمایش خود حضرت عالی يك وجوهی است مجهول و این وجوه را دولت در بانک میگذازد و صدی دو از بانک استفاده میکند از بابت همین وجوه آقا میفرمایند این وجوه را در بانک بگذارند و صدی دو بگیرند اما از آن طرف بروند از بانک دیگر قرض کنند صدی شش و بیایند این بنا را بسازند کجا میکنند که از همین وجوه هیچ مانعی ندارد این وجوه معطله در بانک که دولت از این وجوه منفعت میکند صدی دو یا صدی دو و نیم از همین وجوه احتیاجات نیت اسناد را رفع کند و بنائش بسازند در سال هم معمر و محلی دارند قریب شانزده هزار تومان و آرا این شانزده یا پانزده هزار تومان محل و معمر این دو چیز این کسر را جبره میکنند پس اینکه میفرمایند باینکه ممکن است یا بنده یا دیگری همچو خیال کنیم که اگر این وجوه را با هشتاد هزار تومان

یا کمتر یا بیشتر دولت برداشت کند و این بنا را بسازد اجرای آن تشریفات از طرف اداره نیت اسناد برای تقاضی کنندگان معطل میشود اینهم بنابر این توضیحی که آقای وزیر عدلیه دادند مقدور نیست چرا ؟ بجهت اینکه يك وجهی است جاری اسناد در حالت حالیه در ساعت حالیه خودش دو بیست و پنجاه دو بیست شصت هزار تومان وجه موجود است و از این مقدار تا میزان هشتاد هزار تومان بتدریج برداشتن برای بنا عیبی ندارد و بقیه اش هم آنجا برای مخارج جاری نیت موجود است علاوه از اطراف هم مرتباً در این ضمن تقاضا کنندگان مرتباً تقاضی میکنند و وجوهی میدهند قبل از اجرای عمل نیت اداره نیت اسناد بطور چیز و یا اینکه در حین جریان کار بعضی تقاضی ها مختلف میشود بيك زمانهای زیادی از قبیل اینکه يك تقاضا کنند تقاضی میکنند نیت يك ملكی را بعد معترض پیدا میکنند و تا سیر بکنند آن دو چیز مجاری خودش را شاید يك سال دو سال هم طول بکشد بنابر این مقدمه نمیشود ما همچو خیال کنیم که اگر از این وجه ما رأی دادیم که يك بنائی بسازد معطل میشود اداره نیت اسناد برای اجرای آن تشریفات نسبت بتقاضی کنندگان . پس هیچ اشکالی بنظر بنده موجود نیست برای اینکه رأی بدهیم بلکه يك وجهیست حاضر و مرتب و مهیا بتدریج از او بگیرند و این را صرف میکنند از آن محل هم بجایش میگذازند

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - فرمایشاتی که آقای وزیر عدلیه در موقع تقدیم این لایحه فرمودند تماماً مورد تصدیق بود منگری هم ندارد البته اداره نیت اسناد يك عمارت و جای مخصوصی لازم دارد چنانکه فرمودند يك محفظه های مخصوصی لازم دارد برای ضبط اوراق حقیقتاً همانطوریکه فرمودند ما فقط يك ورقه مالکیت بگیریم ولی در پشت سر او باید يك محفظه های باشد که املاک مردم محفوظ باشد اسنادش در اداره نیت محفوظ باشد این محل اشکال نیست ولی

يك فقره مطالبی فرمودند که در خود لایحه هم آن مطلب تخریح شده و بنده نسبت به آن مطلب معترض هستم و میخواستم يك توضیح کاملی بدهم فرمودند این مخارج مقدماتی منافعیست متعلق بدولت است بنده این را اصلاً معتقد نیستم برای اینکه منفعت همیشه تابع عین است یعنی عین مال هر کسی است منفعت هم مال آن شخص است اگر این را فرض می کنند که این وجوه تماماً مال دولت است که منافعی هم مال دولت است و اگر این وجوه مال مردم است که منافعی هم مال مردم است ولی نباید این را فرض کرد که منافعی مال دولت است فرمودند که این يك وجهی است که مالکش معلوم نیست در صورتیکه مالکش معلوم است از هر اداره بقی که امروز سؤال کنید که شما که فلان شخص چقدر داده راجع به نیت فلان ملك معلوم است دو سه هایش معین است این را حساب میکنند يك وقتی فرض بفرمایند اگر صد ریال بکوتی بنده بخارج مقدماتی دادم اگر پنجاه ریال دیگرش را ممکن است بخودش مسترد دارند در صورت این يك چیزی نیست که مالکش معلوم باشد و مجهول المالک باشد آنوقت این را فرض کنیم مجهول المالک و منافعی آن هم مال دولت باشد چنانچه در خود لایحه هم این را تخریح کرده اند که مال دولت باشد این را بنده هیچ معتقد نیستم اگر هم بچیزند ممکن است يك طوری در لایحه ذکر کنند که حقیقتاً تخریح هم نشود که منافعی مال دولت است چون سابقه خوبی نیست این پول مال مردم است و منافعی هم مال مردم است حسابش هم آسان است و اشکالی ندارد و بدهم فرمودند که این وجوه بعداً استرداد می شود اگر این را فرض می فرمایند که مال دولت است که استردادش هم لازم نیست در صورتی که این وجوه مال دولت است و دولت هم امروز احتیاج دارد و برای تهیه عمارت نیت اسناد این وجوه استردادش لازم نیست این است که بنده عقیده ام این است که در لایحه جمله متعلق است بدولت را حذف کنند و فقط اجمالاً ذکر کنند که منافعی حاصله از این وجوه را دولت مکلف است بردارد و این عمارت را بسازد و بدهم استرداد کند همینقدر کافی است ولی تصدیق اینکه منافعی متعلق بدولت باشد این صحیح نیست و سابقه خوبی نیست.

**وزیر عدلیه** - بنده تصور میکنم اساساً قدری در نظام شده است و آن این است که بنده عرض کردم در حدود دویست و پنجاه دویست شصت هزار تومان پول موجود است یعنی این يك بولی است فی الحقیقه موجود و همین و بلاصرف اینطور بنده عرض نکردم وجوهی را که ثبت اسناد از اشخاص میگیرد بطور مقطوع است و مثل جماله می ماند میگیرد و برایشان مخارج مقدماتی ثبت خرج میکند چیزی هم پس نمی دهد و بنایت پس بدهد و این هم عرض کردم زیاد هم نمیگیرد و بهیچوجه حال این پول معلوم نیست که بالاخره چندشاهی بیاند یا نماند - شاید هم نماند و بالاخره دولت هم مجبور بشود که در بودجه خودش بگذارد که جریان ثبت مردم را که نهاد کرده است بعد بیاورد مجبور هم هست بکند ممکن هم هست يك چیز جزئی بیاند البته این را اگر مانند محتاج يك لایحه است که مال دولت است الآن این پول مال دولت است یعنی مال خزانه دولت و مال خزانه عمومی نیست و این در دست ثبت اسناد است ولی مال مردم هم نیست این بولی است الآن موجود یعنی زیاد می شود و کم می شود هم ارزش خرج می شود و بجایش هم می آید تا ثبت عمومی تمام ایران تمام نشده است بجایش هم می آید فعلاً برای اینکه این پول در دستدو قهوی ثبت املاک محل محفوظی نیست یا آنکه گذاشته شده هر بولی که در بانک گذاشته شود يك منافع می آید این منافع را هم نمی شود گفت که مال اشخاص است بجهت اینکه پول مال اشخاص هم نیست عرض کردم بولی است گرفته شده که برای آنها عمل بشود و کار ثبتشان تمام بشود بالاخره ورقه مالکیت بدستشان بدهد آن منافع حاصله از این راه چون اداره ثبت خودش هم حق ندارد این منافع را تصرف کند بضرورت میگوئیم مال دولت است این جمله از راه تجاری است بجهت اینکه نمی توانیم بگوئیم مال اشخاص است اداره ثبت اسناد هم چیزی نیست جز دولت پس ممکن است اگر خرجی از برای ثبت یکیم از همین منافع باشد و رویش بگذارد و خرج کند مثل اصلش است همان حکم اصل را دارد. منظور ما این بود کسر این بولی که الآن در بانکها گذاشته شده است و صدی دو گرفته می شود چه ضرورت دارد که ما همین پول را از

**وزیر عدلیه** - بنده تصور میکنم که در این لایحه چیزی باشد که منافی با این مقصود باشد زیرا که اصل این وجه گفته نشده است که مال دولت است فقط منافی که از این وجه از بانکها گرفته می شود و جزء اصل این پول نیست و اصل پول هم بالاخره ممکن است اگر دست آخر زیاد بماند مال دولت باشد چیز دیگری نبوده است حالا اصلاح عبارتی هم اگر لازم است چون در اصل مطلب مخالفتی ندارند ممکن است بفرمایند.

**عده** از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

**ملک مدلی** - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات.

**رئیس** - بفرمایند.

**ملک مدلی** - عرض کنم که يك موضوع اینجا مذاکره شد که بقیه بنده سابقه نداشت و لازم بود بنده این جا يك توضیحی بدهم اگر اجازه می فرمایند بنده عرض کنم (عده از نمایندگان - بفرمایند آقا بفرمایند) عرض کنم وقتی که قانون ثبت رفا می گذرانند بنده بخاطر دارم که مخارج مقدماتی که باید گرفته شود در اینجا قید شده است که هر چه قدر گرفته شد مزایای اگر بعد از وضع مخارج داشت باید بساحبانش مسترد دارند ولی در قانون بنده بخاطر ندارم همچو چیزی باشد که اگر چنانچه فرض يك مالك را بنده ثبت می کنم پنجاه تومان مخارج مقدماتی بدهم و چهارم و پنج تومان خرج میشود پنج تومان آنرا بین رد نکند و جزو ذخیره صندوق برود و همانطور که آقای اورنگ فرمودند مجهول باشد نه خیر این طور نیست و نظر بسوا چینی که این کار در قانون دارد این است که هر نوع بولی که برای مخارج مقدماتی میگیرند هر قدرش مصرف شد و هر چه که مازاد باشد متعلق بخود اشخاص است و باید بهشان پس داده شود بنده باینکه از منافع این پول بنالی برای ثبت اسناد ساخته شود موافق هستم منافع آن البته هر چه هست متعلق به دولت است و اداره ثبت اسناد هم عمارت برایش لزوم دارد ولی این مذاکره که شد بکفایتی بنظر بنده سابقه نداشت و باید روشن بشود و اگر اینطور باشد باید يك قانونی نوشته شود که هر ملكی چه قدر مخارج مقدماتی دارد شاید فرض کنید يك نماینده باشد که يك ملكی را پیش از آنچه که تصور شود مخارج مقدماتی برای آن

در نظر گرفت و این صورت قانونی و املاک عمومی ندارد و باید همین باشد که وقتی ملک او ثبت شد چند مخارج مقدماتی آن است اگر هم موقوف است که باید در قانون تصریح بشود اگر هم نیست و مال مردم است که هر چه گرفته می شود مزایای را باید بخود مردم مسترد دارند بنده خواستم این را آقای وزیر عدلیه توضیح بدهند که اصل جریانش چیست و اساساً تکلیف مردم با ادارات ثبت معلوم باشد.

**وزیر عدلیه** - عرض کنم که بقسمت قابل توجه عرض بنده خوب توجه فتنه و گمان میکنم این مرتبه خوب توضیح بدهم که رفع اشکال نان بشود و آن این است که در ثبت عادی همین طور است که بفرمایند اشخاص وقتی که تقاضای ثبت میکنند يك وجهی هم علی الحساب می دهند اداره ثبت هم علی الحساب قبول می کرد بعد از آن مخارجی که می شد اگر زیاد می آمد زیادش را حساب میکردند و بهشان پس میدادند ولی وقتی که ثبت عمومی شروع شد دیگر این عمل غیر ممکن شد برای اینکه يك حاجه طهران را زکجا تا کجا اعلان ثبت عمومی کردن و ظاهر نامه توزیع کردن و فرض بفرمایند بفرقی ممکن نبود برای هر کسی يك حساب باز کند و البته املاک مختلف است يك ملكی است که پنج سطر اعلان لازم دارد که در مجله و روزنامه نوشته شود يك ملكی مثلاً مال پنجاه فرورنگ است و با يك حدود و متعلقاتی که باید صد - متر در روزنامه نوشته شود اعلان شود آنهم مکرر و همچنین در مجله در می و این خرج زیادی دارد پس این خرجها که عرض کردم در هر موضوعی مختلف و متفاوت است و بالاخره هم نمی شود آنرا يك نظر مقطوعی گرفت که خرج فقط همین است برای اینکه بسا هست یا شنباه خود همان کسی که اظهارنامه را داده است یا شنباه خود اداره ثبت يك اختلافی و اشتباهی روی دهد که این ثبت را بتوان جریانش را تمام کرد و ترتیب از داد و این غلط است يك خرجی شده است یا اسم عوض شده است و بعد يك خرج در جای دیگر شده است یا نمره و پلاک مورد اشتباه شده است یا مجهول ملک اعلان شده است باعتبار این که در موقع تقاضی

آظهارنامه اش را نداده است آنها ايجاب می کند تجدید  
اعلان را و تجدید اعلان همان مخارج را اضافه میکند  
دولتی برای هرملکی هم نمی شود این احتیاط را کرد که  
دو برابر گرفت پس اداره ثبت قرار گذاشت که از  
اشخاص قاضی کننده بطور مقطوع يك وجهی بگیرد  
یعنی این ترتیب اگر این عمل ثبت بطور عادی تمام شد  
و اشتباهی نداشت محتاج تجدید نشد و خرج اضافه پیدا  
نکرد که نکرد اگر کرد که بکند فعلاً از يك محلی پیدا  
شده است که اضافه شده است از این ناحیه به آن ناحیه  
از این مالک به آن مالک خرج بکند چون رفتی که مقطوع  
گرفت مال خودش است و ناچار است آن اصلاحات را  
هم خودش بکند و دیگر دومرتبه نمی تواند پول بگیرد  
و دیگر باین قصد نمی گیرد که حساب بدهد باین قصد  
میگیرد که مال اداره باشد برای اینکه اگر بخواهد حساب  
بدهد خیلی مشکل است و اسباب زحمت است و مال  
اداره که شد و مقارن گرفت باید این عمل را برای این  
شخص تمام کند و باین وضعیت ممکن نیست که بتوان  
برای هرکس يك حسابی باز کرد که به پستند آبا چیزی  
اضافه هست یا نه باید ناحیه ناحیه اعلان کند از این جهت  
نمی شود و در عمل دچار اشکالاتی می شدند بالاخره این  
طور قرار دادند اگر کم است باز هم توضیح بدهم.  
عده از نمایندگان - کافی است

رئیس - پیشنهادی از آقای دکتر طاهری رسیده است  
قرائت میشود:

مقام منبع ریاست دامت عظمة  
پیشنهاد میکنم استهلاک این فرض فقط از محل کرایه  
منزل ثبت بعد آید

دکتر طاهری - بنده متقدم که اصل این موضوع را که پیشنهاد  
کرده اند این کار خوبی است و منکری ندارد حرفی که  
این جا هست و مذاکره که این جا می شود این است که  
پولی که داده شده است بتوان مخارج ثبت در آن يك  
حیف و بولی نشود یعنی يك مصرفی دیگر نرسد به بنده  
بنده مقتضی این است که این پولی که برای مخارج ثبت  
داده می شود و شده باقی مانده در بالاخره در يك حساب  
باشد و در عين حال عمارت ثبت هم ساخته شده باشد

پردازند و سرچایش بگذارند بالاخره باید خرج هم  
بشود و ما هیچ نمیدانیم که آیا روز آخر از این پول چیزی  
زباد می آید یا نمی آید ولی این ریش ریش شده است که  
این پولی که از اشخاص گرفته می شود باعتبار منافعی هم  
که روی آن می آید صاحب آن باشد خیر این هیچ  
پیش ریش نشده و لازم نیست ممکن است این منافعی دست  
آخر بکلی زباد باید حالا که زباد می آید چرا نمیشود  
که بردارند و استهلاک آن را بر کنند انوات بعد  
اگر باقی ماند متعلق بدولت می شود یا هر حکمی که در  
مورد آن بشود مقصود این است که يك نتیجه عملی بنده  
برای این پیشنهاد تصور نمی کنم و الا اینکه تفاوت نداشت  
بنده موافقت می کردم ولی شکلی ندارد.  
امیر زبور - مذاکرات کافی است.

رئیس - در پیشنهاد کفایت مهور است. آخر بقی  
پیشنهادی که رسیده است پیشنهادی است که آقای  
طهرانچی داده اند قرائت می شود:

پیشنهاد منتهایم ماده واحده باین طریق اصلاح شود.  
ماده واحده - دولت مجاز است از وجوهی که بابت  
مخارج مقدماتی ثبت اخذ شده یا میشود ناممحل هشتمند  
هزار ریول رای مخارج ساختمان عمداً اینکه برای اداره  
كل ثبت اسناد و املاک در طهران لازم است قرض نموده  
و از محل منافع وجوه مذکور که در بانکها گذاشته شده  
و همچنین محل کرایه محل ثبت اسناد طهران از اول  
فروردین ۱۳۱۳ استهلاکاً بردارد

وزیر عدلیه - اشکال مختصری دارد و آن این است  
که این عمارت در یکسال ساخته می شود و از اول ۱۳۱۳

نمی تواند هزار تومان را برآورد باید از اول سال  
۱۳۱۴ بردارد  
طهرانچی - بسیار خوب بنده موافقم باینکه آقای وزیر عدلیه  
فرمودند که از اول ۱۳۱۴ باشد.

رئیس - آقای وزیر عدلیه با این پیشنهاد موافق هستند  
وزیر عدلیه - بل

رئیس - این پیشنهاد بجای ماده مهور است. آیا باینکه با  
این ماده موافقت دارند ورقه سفید خواهند داد  
(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده بود و چهار ورقه سفید  
تعداد شد)

رئیس - عده حاضر در موقع رأی صد و يك  
نفر با اکثریت آردو چهار رأی تصویب شد

[ ۲ - دور اول لایحه فروش خالصجات ]

رئیس - خیر کپه - یون قرآین ماده راجع بلا یحه فروش  
خالصجات و سرمایه بانک قلاحتی مطرح است. مذاکره در  
کلیات است. آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - حقیقتاً از دیروز که این لایحه منتشر  
شد یعنی خبر از کمیسیون قوانین مالیّه منتشر شد بین آقایان  
و ماده این لایحه را دیدم با اینکه سابقه هم داشتم حقیقتاً  
يك حال بهجت و يك حال سروری به بنده دست داد که  
لازم دانستم اینجا بمرس آقایان برسیم. تقریباً بیست و  
هفت سال است که از تاریخ مشروطیت ما میگذرد و در  
این مدت اشخاص معنوی الفکر و اشخاصی که علاوه مذریه  
مملکت و آزادی بودند و بنا برین مختلفه مرا اندازه هائی نوشتند

- آقایان: آقون، دکتر نقان، عدلیت، فرونی، دکتر قزاق، محمد ضیائی، اورنگ، سهراب خان، مؤید
- شیرازی، دبستانی، دهمری، بنکدار، شاعردی، تربیت، دیر سهرابی، بیات، کو، پناهی، کاررویان، فرعی
- میرزا یاس، منصف، خواجوی، افغمی، عدلی، مرآت اصفهانی، مهدوی خراسانی، طالش خان، دکتر احتشام
- عین آقامردی، امیر تیمور، زدهی، اعظم زنگنه، کاشف، یزسا، حاج محمد رضا بهرمانی، علوی، سرواری، دکتر ضیاء
- تاجی، میرزا علیخان کیلی، صفاری، اداسی، لاریجانی، جرجانی، قنوجی، حیرتی، کفائی، مقدم، امیر، حاج غلامحسین ملک
- بیات، امیر ابراهیمی، اعتبار، اردی، مهدوی، مجیط، قویسی، ازگانی، دکتر طاهری، حاج تقی آقا و عاب زاده
- تغذالاسلامی، مصمم، سنگ، دکتر سنگ، افشار، بختیار، سلطان شیخ الاسلامی، دکتر ادم، لیتوانی، دکتر امیر اعظم
- هراتی، دکتر بهرامی، هزار جریبی، حمدانی، میرزا دولتشاهی، روحی، نور، مرتضی، دربابی، دکتر ملک زاده، دشتی
- میرزا موسی خان مرآت، کمالی، زاب، بزوی، آقا سید کمالی، میرزا احمدی، غیر فرهادی، علیضائی، دیا، نازی
- مسعود لائی، شریقی، آقایی، دادور، نوغان، کبکسر، شامخ، میرزائی، بهرمانی، طهرانچی، دکتر شیخ.

و احزاب و دستچانی در این مملکت تشکیل شد اگر آن  
مراعاتنامه ها را کسی جمع کند و امروز بان و ادرجوع  
کنند می بیند که در این چند سال تمام اینها فکر بود  
آرزو بود و همانطور که اشمش بود آرزو و مرام بود  
ولکن بهوقع عمل و اجرا گذارده شد لکن اراده قوی  
اعلیحضرت همایونی باعث شد که حقیقه چیزی از آنها فرو  
نهدد اگر دقت بکنیم تمام این مواد امروزه در این مملکت  
اجرا شده است هرچه در مرامنامهها بوده است استقلال نام  
مملکت الفه کاپی تولاسیون افتتاح بانک ملی و بانک فلاحی  
ساختن راهها ایجاد راه آهن همه آنها در مملکت در این  
چند سال اجرا شده است و امیدوارم انشاء الله همه آنها  
بعد کمال برسد و بعد هم می بینیم که یک چیزهای دیگری  
هم در این مملکت پیشرفت میکنند امروزه و پیش می رود  
که آن افکار را سابقین نکرده بودند یعنی در بعضی از مرام  
نامهها نبود و امروز بتوجهات دولت دارد یکی یکی آنها هم  
انجام میشود که منجمه از اوایی که حقیقه نفع این  
مملکت است این لایحه است بعقیده بنده بدلیل اینکه این  
مملکت يك مملکتی است فلاحی يك مملکتی است یا  
وسعت خاک و طوری هم واقع شده است که کرم سیر دارد  
بیلاق دارد کرم سیر خاک دارد کرم سیر مرطوب دارد  
چیزهایی که برای زراعت و فلاحیت از شرایط اولیه است  
در این مملکت هست آفتابهای بسیار خوب هوای مساعد  
محصولاتی که شاید در هیچ کجای دنیا نباشد بدست آورد در ایران  
تهیه میشود و بدست می آید لکن واسطه بین وجهی مالکین بواسطه  
تهدیاتی که بمالکین میشد این املاک خراب و باقر مانده  
است و اگر رجوع کنیم بدفاتر خالصجات املاک زیادی  
را می بینیم که مردم از عهده پرداخت مالیات برنیامده اند  
و بدوات واگذار کرده اند که در رقابت دولتی باسهم و اگذاری  
است . ملك عایداتن سبب تومان بوده است و مالیاتش  
پانصد تومان بدوات واگذار کرده است عوض مالیات  
و اینقدر تهی مردم میشده است و بعددافه آن مسئله  
بواسطه قوانینی که وضع شد در عین حال که شد امروز ازین  
رفته است و حالا البته باز دولت در نظر دارد که همین را  
هم تبدیل کند که هیچ مأمور دولت با مالک و رعیت تماس

این املاک میردازد و لکن همه جا خراب و بازاست و  
البته این املاک اگر مالک شخصی پیدا کند آن علاقه  
که صاحب ملک بدلتکش دارد طبیعی است که آماده بشود  
و دولت هم ازین زحمت خلاص خواهد شد پس در  
کلیات این لایحه بنده یقین دارم همه موافقت و پایک  
باشند و شوق و شغفی رأی میدهند و حقیقاً از دولت  
تشکر میکنیم . اما دوسه چیز در نظر بنده بود که در تنظیم  
این لایحه مراعات نشده و آنها را خواستم برض آقای  
وزیر مالیه برنامم که در نظر داشته باشند که برای شور  
دوم که قابل اصلاح است عرایض بنده آنها را اصلاح  
کنند و یا توضیحاتی بدهند که بنده قانع بشوم . یکی در  
ماده دوم است که نوشته است فروش خالصجات بطریق  
مزایده بعمل خواهد آمد بنده عقیده ام این است که باید  
در نظر بگیرند که این جا اهل هر محل را حق تقدم بدهند  
برترین بریک آنمی که مثلاً در طهران نشسته است و  
پول زیادی فرض فرماید دارد باید و املاک خراسان یا  
کرمان را بخرد این کار خوبی نیست همین طور شد که در  
اول فروش خالصجاتی که دولت در نظر گرفت بازیکه  
نظر آنوقت هم شاید همین بوده است که املاک دست  
خورده مالک بقتد و آباد شود شاید اشخاص پولداری در  
طهران بوده اند که مالک خالصه را يك قسمتش را آنها  
خریدند و فردا این کار نشود لااقل اهالی هر محل حق  
تقدم داشته باشند نمیگویم رعایتی از ایشان بشود فقط حق  
تقدم بدهند وقتی که اعلان مزایده داده شد در هر محل  
فرض کنید مثلاً در کرمان یا خراسان یا طهران اگر اهل  
کرمان فرض کنید پیشنهاد مزایده اش با يك نفر طهرانی  
موافق باشد آن را مقدم بدارند این طبیعی است که مقدم  
هستند - دیگر عرض کنم در ماده سوم است که میگوید  
باستثنای مستغلات مالیات هرملکی که مطابق این قانون  
فروشش میرسد همان است که در قانون مالیات املاک  
اربابی مقرر شده یعنی مطابق قانون سابق است (قانون  
میزی) و آن طور مقرر شده است غرضم این بود که  
مقصود از استثنای این ماده این است که مستغلات اصلاً  
فروخته نمی شود یا اگر فروخته می شود مطابق قانون  
خودش باید باشد این هم يك تذکر لازمی بود همچنانکه  
می نویسیم مالیات املاک اربابی مطابق قانون خودش هست

مستغلات هم مطابق قانون خودش مالیات باید پرداخت میکردن  
که خیال فروشش دارد که عبارت واقعی بمقتضویت چون  
ماده میگوید: باستثنای مستغلات مالیات هرملکی که  
مطابق این قانون فروشش میرسد همان است که در  
قانون مالیات املاک اربابی مقرر شده باید بنویسیم که  
( که خواهیم فروشیم) مالیات آنها هم مثل قانون خودش  
است این يك تذکر لازمی بود . یکی هم يك استثنای  
در ماده پنجم شده است که بنده یقین دارم که قصد آقای  
وزیر مالیه و کمیسیون مالیه این نبوده است لکن این عبارت  
مخصوصاً هم در خارج یکی بین تذکر داد و من دفاع  
کردم که خیر هیچو قصدی نیست . می گفت عبارت این طور  
است که املاک مزروعی حوزه طهران (در ماده پنجم است)  
ماده پنجم - خالصجات ذیل مشمول این قانون نیست:  
۱ - املاک مزروعی حوزه طهران - میان دو آب باستانی  
املاکی که دولت با افراد مشترکاً مالک است . البته قصد  
از این استثناء طهران هم بوده لکن او می گفت که میان دو آب  
قصد است (اورنگ - خط فاصله دارد) خوب چون که  
يك هیچو صحیحی شده است البته اصلاح شود که اسباب  
اشکال نشود بهتر است . عرض کنم یکی هم بود راجع  
به فرض و در فرض در عمل الاجاره که برای فرض نوشته اند  
تصدی شش است البته این عبارت مبرساند که ممکن است  
کمتر هم داده شود ممکن است صدی سه باشد صدی  
چهار باشد صدی پنج باشد حد اعلا شش است  
تصدی شش پس بنده عقیده ام این است که بهتر این بود  
حد اقل راهم مین میگردند بماند اینک ملاحظه فرمائید  
با وضعی که در املاک هست مثلاً در خراسان ملاحظه  
فرمائید املاک الآن بواسطه تنزل قیمت جنس که  
الحد ذاته باید بگوئیم جنس خیلی تنزل دارد اگر بخواند  
پول با صدی شش فرع قرض کند آنوقت برود ملک را  
آباد کند بقدر صدی شش عایدش نمی شود یعنی مازاد  
بر صدی شش عایدش نمی شود از این ملک مثلاً  
هزار تومان عایدش می شود حالا آمد دوهزار تومان  
هزار تومان هم از بانک فلاحی قرض کرد و رفت و  
خرج ملکش کرد البته مالک عایدش زیادتر می شود اما  
کفایت صدی شش فرع را نمی کند باقیمت نازلی که  
جنس دارد تکافؤ با صدی شش نمی کند عقیده بنده

این است که باید این فرع را يك قندی تخفیف داد حالا که نظر دولت نظر ارفاق و آبادی املاک و مساعدت با مالکین و زارعین است عقیده بنده این است که حد فرع را کمتر بکند چون عیارت لایحه است که تصدی شش صدی سه هم ممکن است باشد اما فردا ممکن است که هر کس فرض خواست باو بگویند صدی شش و از صدی شش کمتر ندهند اگر نظر دولت این است که از حالا صدی شش قرار بدهند فرع را آن یکم و خدوعی است و الا عقیده بنده این است که حد قل راهم معین کند که صدی سه صدی چهار هم می توان داد و الا آنوقت همه شش می شود صدی شش و آنوقت تصور نمی کنم آن نتیجه که دولت از این مساعدت میخواهد بگیرد بطور کامل بشود - یکی هم در ماده پانزده است که میگوید بانک فقط در مقابل وثیقه مالکی قرض خواهد داد فرض کنیم که این جا البته مالک اعم از خانه و مستغلات و دکا کین و غیره است عرض کنم فرض ملک مزدوعی نیست و همه چیز است؟ لکن بنده حالا عرضم این است که این را آقای وزیر مالیه توضیح بدهند چون از عبارت قانون بنده حالا می خواهم عرض کنم شاید مقصود درست مفهوم نشود و آن این است که شاید يك کسی يك ملكی داشته باشد که سيل آن را برده است حالا میخواهد يك پولی از دولت قرض بکند و همین ملک را آباد کند چیز دیگری هم ندارد و این ملک که امروز بائر شده است البته آن قیمت اولی را که ندارد مالکش ده هزار تومان قیمت داشت حالا سيل برده البته کمتر است چیز دیگری هم غیر از آن ملک ندارد آب آمد مالک را خراب کرده قاندا خراب کرده سد را شکسته البته قیمت ملک نزل می کند وقتی که آب نداشت باشد قیمتش کمتر است ولی خوب غیر از این ملک هم چیزی دیگر ندارد آیا این جا ممکن است دولت یعنی بانک فلاحی همان ملک موقوفه را وثیقه بگیرد و پول قرض بدهد یا خیر باید برود يك چیز دیگری از خارج تهیه کند و وثیقه بدهد این يك نکته است که باید توضیح بدهند برای اینکه ملک بنده خراب شده میخواهم پول بگیرم قرض کنم و ملک را آباد کنم ممکن است بگویند که ما این ملک خراب شده را وثیقه بر نمی داریم و باز آن

نگرد آب می شود بزمن میرود و اراضی آنجا خیلی قابل زرع است حالا این سدی را که آقایم فرمودند سد موقتی يك قندی چوب و اشجار میریزند جلوی رودخانه و يك قندی آب می آید بالا آنوقت میروند زراعت میکنند حالا اگر يك سدی جلوی این به بندند خیلی خوب می شود که شاید پنجاه هزار تومان شصت هزار تومان بیشتر خرجش نشود یا سد جبرفت که از سدهای معروف است که درست تاریخ خراب شدنش را نمیدانم جبرفت يك جائی است خیلی آباد که البته در تاریخ و کتب همه آقایان دیده اند ناهفتصد سال قبل که آنجا دژ بوده است بواسطه آن سدی که داشته است چقدر آبادی در آنجا بوده است چه آبادی ها و چه شهرها داشته و حالا آن سد خراب شده است جاهایش هم هست علامات آن هست که سد بوده است و ممکن است که چند هزار تومان دو صد هزار تومان خرج این سدها بسته شود و آبیاری شود بجهت اینکه این مملکت مخصوصاً طرف جنوب خیلی محتاج به آب هستند اراضی بسیار خوب رعایای بسیار خوب مردم خیلی خوب دارد اما آب ندارند قواتی که بنده عرض میکنم اینها ده فرسخ هفت فرسخ طول قانش است اما از آن طرف در گرمسیران رودخانه ها میرود میریزد بدینا این است که باید سد بندی راهم در نظر گرفت چون در اینجا دیدم در قسمت آبیاری از سد بندی اسمی برده شده خواستم این را تذکر بدهم. عرض کنم یکی دیگر راجع بموضوع قرض است در اینجا دو موضوع است بکمرته قرض میکند برای آبادانی ملک آنوقت پول را نمیرد خرج آبادی ملک کند این میرود بدرد يك کار دیگری میزند مثلاً تجارت بنظرش میرسد پول به صدی شش از بانک فلاحی بگیرد ولی ملک را نمیرود آباد کند میرود جای دیگر صدی دوازده میدهد که استفاده بکند نمیرود مالکش را آباد کند البته این را حفظ است که پول را ازش بگیرند و مجازاتش هم میکنند و کمال سختی را هم در پاره اش اعمال کنند بجا اینکه کار خیلی خلافی کرده اما فرض بفرمائید که فقط اول را که اسمال باید بدهد پول برایش موجود نشد ولی گندم دارد در ایناز قرض بفرمائید برنج دارد در ایناز لکن نمبخرد کسی در

اینصورت توانست بدهد این غیر از آن آدمی است که میرود پول دولت را جای دیگر صرف میکند البته باید يك ارفاقی يك مهلتی برایش در نظر گرفت که بتواند بدهد بنی مهلتی داده شود که بعد از اینکه جنش را فروخت بدهد یا اینکه جنش را بدهد در مقابل وثیقه دولت. یکی هم در قسمت ماده چهارده است که مخصوصاً بعضی از آقایان هم به بنده تذکر دادند که اگر چه فعلاً در ماده ۱۴ مجازاتی معین نشده است و موکول شده است بخواهین بعد لکن این را خیلی اظهار وحشت ازش میکردند. با اینکه بنده میدانم آقای وزیر مالیه قصدی نداشتند از اینکه يك قوا این خیلی سختی برای این موضوع بگذارند و عیناً هم که قانونی برای این کار وضع نشده لکن چون دیدم آقایان اظهار نگرانی میکنند از این ماده لازم دانستم که آقای وزیر مالیه يك توضیحاتی در اینخصوص بفرمایند

**وزیر مالیه** - البته تذکراتی را که نماینده محترم داد بنوان تذکر بوده است و بنده هم يك جواب همی راجع به این زمینها عرض خواهم کرد بجهت اینکه ایشان مخالفتی نداشتند. اساساً نظر دولت در این لایحه این است که سعی بشود که آن چیزی که سرمایه اساسی مملکت حساب می شود یعنی قسمت فلاحی و ترونت فلاحی را تشویق شود کمک بشود بکار بیفتد زیاد بشود و از این راه مملکت بتواند استفاده بکند مخصوصاً وقتی که بنده مأمور ففلی وزارت مالیه شدم از طرف مقام سلطنت امر شد که باید راجع باین قسمت يك اقداماتی بشود برای اینکه تا بحال می شود گفت که در اغلب قسمتها دولت يك کارهایی کرده است ولی در قسمت های فلاحی شاید تا يك درجه نشده است و بنده هم حسب الوظيفه سعی کردم که يك تریبی از برای اجرای این امر در نظر بگیرم و بدهم یا بصورت ففلی در آمده است حالا پس وقتی اصل مقصود را درست برای خودمان روشن کردیم باید تمام مسائل دیگر را هم از نقطه نظر این مقصود حل کنیم و رسیدن باین مقصود اما اینکه در ابتدا فرمودند که آیا در عمل بانک يك اشکال تراشهایی خواهد کرد یا خیر. بنده عرض میکنم که اولاً در نظر آقایان که بانک فلاحی يك سرمایه خیلی کم نسبتاً از برای يك



منصود خیلی با عرض و طول داشت و وقتی که کسی يك پول کمی دارد و تقاضاها هم زیاد می شود البته باید او باید و يك شرایط خیلی سختی پیشنهاد کند تا اینکه در بین این اشخاصی که می آیند تقاضا میکند يك عده کمتری باقی بماند تا او بتواند با آن پولش جواب آن عده کم را بدهد و مسلم است که یکقسمت از حرفهائی که میگوئیم پاکتته می شود که اشکال تراشی بوده است بواسطه کمی سرمایه بوده است ولی يك مطلبی را هم بلافاصله بنده این جا میخواهم توضیح بدهم که اینجا هیچگونه سوء تفاهمی نشود اگر منظور این است که بانك بی احتیاطی بکند و بهر حرفی بخواهد جواب قبول بدهد بهر تقاضا کننده بی حساب پول بدهد هر درخواستی که می شود بفرمایش آقا روی اصول ارفاق بگوید خوب حالا بد میدهد انشاء الله اگر اینها را میگویند و اگر همچو نظری فرضاً داشته باشند بنده باید از حالا عرض کنم که بانك این اشکال تراشها را ناچار است بکند پس باید حالا عرض کنم که منظور این نیست که يك سرمایه تهیه بشود و يك اشخاصی داده شود که دنبال کار نروند و بی فکر شروع کرده باشند و بی فکر خرج بکنند و در سر موقع هم نتوانند پردازند و اصل فکر کمک بخلاحت از بین برود اگر بانك بی احتیاطی کرد و بعد از یکمدتی پولهای قد او برکشت صورت ملك و این املاک را بصورت مزایده میخواهد بگذارد و بفروشد آنوقت فکر کنید که وضعیت این بانك چه خواهد شد مثل بعضی از تجاری که بودند در این مملکت و باعتبار املاک فرض دادند و بعد دارای بکمه مقدار زیادی ملك شدند خودشان هم ورشکست شدند البته ما نباید بیایم و این عمل را تکرار کنیم (صحیح است) حالا که این مطلب را تصدیق دارند آقایان بنده عرض میکنم که بای باید نظر گرفتن احتیاطاتی که لازم است البته بانك میخواهد پول بدهد برای همین کار هم تأسیس شده برای همین کار هم این لایحه آمده اگر نتبخواست بدهد که این قانون رانمی آورد ولی چون ما گاهی می شود که وقتی يك مسئله پیش می آید اندازه احساسات خوب ما دفعتاً غلبان پیدا میکند اندازه شدن میکند که آن جنبه های عدلی زندگانی را آقا در آن موقع و وقت فراموش میکنیم بنده خیال میکنم که هیچوقت

باید اینطور باشد وقتی انسان میخواهد کاری بکند نباید کاری بکند که احساساتش غلبان داشته باشد بگفتندی آب سرد رویش میریزد که از جوش بپزند و با خون سردی يك مساعرا تلفی کند مثلاً یکوقتی يك مطلبی راجع به تأسیس بانك فلاحی و کمک فلاحیت پیش می آید بانك احساسات خوبی همانطور که فرمودند که يك سرور و همچنی در آدم پیدا می شود آنوقت میگویند که خوب بانك قدری هم ارفاق بکنند خیر آقا يك قدری جلویش را بگیرند و به حدی آن احساسات و ارفاق بکار نزنند که اصل موضوع را از بین ببرد و بنده کلاً مطمئن هستم که آقای مؤید احمدی هم که این فرمایشات را کردند اصل قضیه باین موافقت منتهی بنده خواستم يك مطلبی را که میدانم بی بینم حسن میکنم که در این مملکت خیلی هستند اشخاصی که احساساتشان بدبختانه در موقع کار به عقلشان غلبه پیدا میکند (آقایان گفتند بنده خواستم بپانه پیدا کنم و يك قدری توضیح بدهم) نه آقا بانك فلاحی را ما میخواهیم قوی کنیم پول هم بدهیم و اشخاصی هم که پول میخواهند بهشان بدهیم منتهی با سهیلانی هر چه نامتر اما با طبیعتانی که باید يك بانك در عمل داشته باشد و با مقصودی که ما از این لایحه داریم با هم تطبیق کند طوری نباشد که يك پولی را بانك داده باشد و يك کسی هم خیال کند که خوب حالا پول را گرفتیم (تزیل صدی شش آقا در این مملکت چیز آسانی نیست) خوب مبرسیم به آنجائی که آقا فرمودند بگفتندی زیاد است چه ضرر دارد حالا از برای اینکه با این پول بنا بود که بپنه بکارم ولی حالا چه ضرر دارد انومو پول بخرم بعد انشاء الله خدا بزرگ است پول گرفته بودیم از برای اینکه جای بکاریم عاجلاً ممکن است جشن خیر بنده زاده را بگیریم خدا بزرگ است آقا مملکتی که مردمش از روی فکر و ممانعت کار میکنند و میخواهند تولید ثروت بکنند و بعد خرج کنند ما ناپستی که فکرهای بی اساس با اشخاص بی فکر را تشویق کنیم پس وقتی که میخواهیم پول بدهیم باید این حسابها را بکنیم آن وقت اگر این حسابها درست بود ما بی چیزها را هم البته باید در نظر گرفت باید پول هم داد و سعی کرد کمک کرد تشویق کرد که بایند پول بگیرند بروند کار کنند

آن ماده آخر را که آقا فرمودند که بنده هم از بعضی ها شنیدم که ازش يك قدری اظهار تکرانی می شود آن يك قسمتش هم این است که آقا حالا که وسیله برایشان فراهم است پول هم برایشان فراهم میکنیم خیلی هم کم ریح است بایند و يك قدری کار کنید با زهم از شدت شجاعت چون هر چه فکر کردم چه کلمه را بگویم نتوانستم جز کلمه شجاعت چیز دیگر بگویم از شدت شجاعت بفرمایند که یعنی میگویند دیگران از شدت شجاعت بگفتندی از ماده ۱۴ تکران هستند خوب ما که میگوئیم بایند و پول بدهیم و میخواهیم بی توقع بدهیم که خرج کنید دیگر چه تکرانی دارد اما در قسمتی که راجع به اهل محل فرمودید که خوبست وقتی که خالصجات را میخواهیم بفروشیم اهل محل مقدم باشند بر سایرین بنده خیال میکنم که این را يك اصلی نباید قرار بدهیم مسلم است اگر نباشد يك کسانی اهل يك جایی هستند که در آنجا کار میکنند و خورده مالکین هستند که خودشان بالای سر مملکتان هستند و خوب هم میخرند و اعتماد هم بهشان می شود کرد خوب بالای چشم چه اشکالی دارد باید اینکار را کرد اما این را بیایم يك اصلی قرار بدهیم یا این جا بنده وعده بدهم یا خدای خواسته قرار بشود اینجا قانونش کنیم این مضر است برای اینکه خوب فکر میکند که اهل محل هم هستم و حالا حق تقدم هم دارم و باید به بنده بدهند این ملك را مسلم خیلی سهل است در گفتن اما خالصجات را که میخواهیم بفروشیم دو نظر داریم یکی اینکه خود آنها آباد شود یکی اینکه پول ازش در بیاید که بکفایت کمک شود سرمایه همان بانك فلاحی خوب اگر نباشد که ما آمدیم دادیم و آن قسمت دوم هم آنطوریکه باید تأمین شود نشد و دنبال بکننده زیادی بنده و يك دستگاه اجرائیه افتادیم تصدیق بفرمایند که آن قسمت بانك فلاحیت آنوقت تأمین نخواهد شد بنده اگر نباشد يك اشخاص معتبری را داشته باشیم که بایند و پول بدهند و اهل محل هم نباشند از نقطه نظر آن که کسی که باید به بانك فلاحی شود و زودتر عملی شود آن را باید ناچاراً داد این بسته است باین که بگفتندی عمل کنیم به بینیم بموجب نظامنامه و بموجب هدایت تجربه چه باید کرد والا بطور کلی نباید این اصل را قائل شد از

هم عرض میکنم که اگر نباشد دوقدر باشد داوطلب باشند شرایط هم مساوی باشد هر دو شان هم پول نقد بدهند آنجا هیچ گفتگو ندارد که دیگر آن خورده مالك مقدم است قطعاً و دیگر هیچ اشکالی ندارد و از حالا قول میدهم و آنرا ترجیح میدهم بر کسانی که از خارج می آیند اما آن قسمتی که با قسط فرار باشد بدهند یعنی این املاک از يك حدودی که تجاوز کرد ممکن است با قسط فروش برود بطوریکه پیش بینی شده است در لایحه با قسط البته شخصی که از شما میخرد شخصیتش خیلی فرق میکند راست است ما ملكی را که میفروشیم خودش را هم بویقه میگیریم اما مقصودمان این است که پول زودتر برگردد معامله با قسط باعتبار شخص آنوقت يك اهدیت خاصی پیدا خواهد کرد پس گمان میکنم بهتر این است که لایحه همین شکل بماند در عمل ما نگاه میکنیم با آن شکلی که بهترین اشکال خواهد بود از برای رسیدن و پیدا کردن سرمایه که باید کمک بانك فلاحی برسد آن شکل را عمل خواهیم کرد اما راجع به مستللات نظر بنده همانطور بوده است که آقا گفتند مقصود این نبوده است که مستللات را ما نخواهیم بفروشیم یا مستللات خدای نکرده مالیات نخواهد داشت خیر مالیات آن مطابق همان مالیات سابق است و لیکن اشکالی که داشت که ما آنرا بنویسیم برای این بود که ما فکر کردیم در کیسیون هم این فکر پیش آمد که اگر امروز يك کسی بایند بانك ملكی را که دولت دارد بخرد و فرما باز گیریم میزی ما می افتد بجهت اینکه این املاک دولتی که مالیات نداشته است ما که مالیات از خودمان نمیگیریم پس از برای تعیین مالیاتش اگر بخواهیم بعد از فروش برویم و میبزی کنیم صاحب ملك یعنی مالك جدید يك تکرانی خواهد داشت يك زحمتی از حالا در فکرش پیدا خواهد شد بهتر این است که ما با تجربه که داریم يك عملی که داریم و بعد از چند سال عمل روی عمل خودمان يك تجربه داریم از روی تجربه همین کنیم که این ملكی را که میفروشیم این قدر مالیاتش می شود که زحمت نداشته باشد از برای رفع آن زحمت است و برای اینکه اشکال نداشته باشد اینجا گفتیم سابقاً هم مذاکره شد که اگر انشاء الله امری که داده شده است در خصوص ازین

بر ذن مالیات ارضی که تبدیل شود بیک مالیات دیگر (دکتر طاهری - انشاعاً) و ما هم مطالباتمان نزدیک بانمام است اگر موفق شدیم و آن کار را کردیم که اینجاده اصلاً در عمل از بین خواهد رفت. اما راجع باملاک مزدوعی میان دو آب و عبارت ماده پنج که فرمودند طوری است که ممکن است درست روشن باشد بده توضیحاً اینجا میگویم که مقصود چه بوده است ماده پنج میخواست است که املاک مزدوعی اطراف طهران و میان دو آب و اینها اصولاً و اساساً همینطور باقی بماند باستانی املاکی که دولت با افراد مشترکاً مالک است حالا میخواهد در حوزه طهران باشد وقتی که مالک شریک الدولکی داشتیم آنها را میفروشیم و همینطور هم املاک میان دو آب و اگر این عبارت را خیال مفرماند که کافی نیست ممکن است پیشنهاد فرمایند بدهم خردمان بخاطر خواهیم سپرد که در کمیسیون اصلاحات میگویم اما رسیدیم باین جا که بگفتند خیال میکنم آقا واقعی لغتی فرمودند پس حقیقتاً احساسات غلبه کرد و آن قسمت فرع صدی شش است. بده همه چیز را واقماً خیال میکردم گفته شود ولی این که تصور شود صدی شش زیاد است این حقیقتاً بنظم نرسید آخر آن نسبت به چه زیاد است؟ نسبت بکجا زیاد است تکرش را بگوید آقا که خودتان میدانید الآن با اصطلاح معمولی ما کرایه پول باروشتر فرع یا هر چه هست در این مملکت (تفه الاسلامی - صدی شش و چهار است) خوب آنوقت وقتی که صدی شش نوشتیم و نوشتیم که از صدی شش بیشتر تجاوز نباید بکند این را آقا تصور مفرماند که باید باز یک قدری سوهان بزنم بده اینجا حداکثرش را معین کردم با احتیاط اینکه اگر بعد از مطالعه معلوم شد که بعضی محصولات خوب هست که مصاحت است بیک فرع کمتری ملحوظ شود محتاج قانون جدید باشیم ولیکن بهتان عرض میکنم از حالا که نظر ما این است که همان صدی شش را بگیریم فد تمام موارد مگر اینکه ما قانون را برای شش ماه بنویسیم برای شش ماه که نیست بعد از یکسال وقتی که تجربه کردیم دیدیم که تجربه بهما نشان داد که بهتر است از برای فلان قسم از محصولات باید پول خرج کرد تا بمقصد رسید و شاید لازم است که فرع باین نری

گرفته شود باین مناسبت حداکثر را معین کردیم. اگر همین اندازه را پس حداکثر را در مورد مطالبه کنیم آیا واقماً زیاد مطالبه کرده ایم؟ چون بده میخواهم بیک چیزی بگویم و بنویسم که عملی باشد باید فکر این را کرد که هر قدر ما بتوانیم باید صرفه جویی در مخارج بانک کنیم این بانکی که در اغلب نقاط باید عمل کند و اقدام بکند و بالاخره رسیدگی کند باینکه پولهایی که فرض داده است بمصارف لازمه برسد پس باید از برای آن راه نجاتی پیدا کند تا بتواند کار کند. فرمودند که اگر مالکی (این جا بیشتر جنبه تحقیق بود) خراب شد آیا می شود بانک این مالک را وثیقه بگیرد که صاحبش آن را آباد کند بده تصور میکنم جوابش خیلی آسان است مالک خراب را بقیه مالک خراب وثیقه بگیرند مالک آبادا بقیه مالک آباد البته یک مالک خرابی را باید اینکه این بعداً ممکن است آباد شود و تمام سطحش بر از محصولات پر مشتری بر بازار بشود و خیلی قیمت پیدا خواهد کرد روی این حساب نمی شود باید دید این مالک خراب چه قیمتی دارد بهمان اندازه بگیرند باندازه که احتیاجات دارند ممکن است بگفتند بیشتر شود ولی ما البته از نقطه نظر احتیاج بانک حد معینی پول میدهم بیک قسمتش را که آباد کرد آنوقت البته قیمتش بیشتر خواهد شد بعد از برای آنکه که فرض خواست مناسبت قیمت آن مالک آباد خواهیم داد. اما جواهر عرض میکنم که بده آقا برای اینکه خیال آقایان را راحت کنم عرض میکنم جواهر قبول نمیکنیم حالا صرف نظر از اینکه انسان باید بهیند و فکر کند که این باز از آن فکرهایی است که آدم بایستی بشیند بگردد جستجو کند ببیند که باز چه نوده پیدا کرده و در نظر بگیرد و روی این اصل مالکی که الآن مالکش خراب است و محتاج پول است برای کار فلاحی صد هزار تومان جواهر یک دامن جواهر پاورد آنجا بدهد به بانک ما چرا قبول نمیکیم؟ خوب از برای این کار ممکن است که بوسائل دیگری متشبث بشود و پول پیدا کند ولی ما چرا معامله نمیکیم خوب اگر ما آمدیم نوب این خط خوب بکفر دیگر حق دارد یا شود بگوید که خوب آقا عتیقه را چرا قبول نمیکید خوب میخرند صادرات هم دارد کتاب خطی خط میرا

چرا قبول نمیکید بده خواهش میکنم صیقلاً بگذارید ما همین کاری را که در نظر داریم این را انجام بدهیم جواهر کرو گرفتن را بگذاریم بجای دیگر چون خطرناک است. مالک آقا یک چیز محکمی است بالاخره مالک بهر صورتی که در باید باز یک قیمتی دارد و لیکن به هیچیک از امیاه دیگری که می شود اسم برد نمی توانیم اطمینان پیدا کنیم در مسئله آبیاری که بده سدنندی را نگذاشتم تماماً سدنندی بدو جور می شود: یکی اینکه همانطور که گفتند یک سدنندی است که چهار پنجهزار تومان خرجش می شود اینکه اصلاً در نظر نیست یکی دیگر این سدهای کوچکی است که تفاوت ده سی چهل پنجاه هزار تومان ممکن است مخارجش بدود و واقماً یک منافع مهمی هم ممکن است داشته باشد بده میخواستم که در اینجا تذکر بدهم اینجا وقتی که ما اصلاح امر آبیاری را نوشتیم او را هم خواهیم نوشت بده نخواستم در اینجا یکی از آن عبارات مشتملی که از سوانیق الایام مکرر در مکرر تکرار شده راجع به سدنندی در اینجا بگذارم چون اغلب نظر میرود باینکه ما میخواهیم باین پول سدنندی هم نکنیم و بکارهای دیگر هم نبرسیم پس و او بلا می شود و بالاخره آن سدنندی را هم باین سرمایه نباید کرد و باین خیال هم نباید افتاد خوب هر جا هم که لازم باشد دولت قشقه دیگری میکشد و از طرق دیگری آن منظور را بعمل می آورد ولی اینجا بطور کلی مسائل آبیاری را بده نوشتیم ولی تصور میکنم آن منظوری که دارید باین عبارتی که در اینجا نوشته شده است تأمین می شود. بلی دیگر چیزی باقی نمانده است که بده جواب عرض نکرده باشم. اما ماده چهارده و تذکر ما قبل آخری که فرمودند یعنی اگر کسی فرض کرد و قسطنطنیه را فرساند یک ارفاقی بشود این را در حد ضمن عرایض دیگر جواب دادم و دیگر تکرار نمیکم ماده چهارده را که شاید بعضی از آقایان اظهار نگرانی کرده اند و تغییراتی کرده اند اگر درست دقت فرمائید اینجاده چهارده چه میگوید در این ماده یک احتیاطی است که مقنن بمساجیان املاک میکند و به آنها گفته میشود که شما باید مطابق یک نقشه هالی که بعداً طرح خواهد شد و بشما داده می شود (والله در هر نقشه هم فکر عملی بودن

و ضرر صلی بودن آن هم خواهد شد و مدنی که لازم است از برای اجرای نقشه گفته خواهد شد تعیین خواهد شد) عمل نمائید. شما مالکین باینکه وسیله کار هم از برایشان فراهم است این نقشه ها را باید اجرا کنید. خوب اگر نکرده بشما میخواهد ما اصلاً اشاره هم بهش نکنیم حتی نخواهد بگویم هم که اگر نکرده می آیم فکر میکنم مطالعه میکنم که با مثل شما اشخاص مساعده کار مساعده کار می عرضه چه باید کرد و اگر این را گفتیم یک مرتبه بدن ها شروع میکند بزرزه و هر عهده ای که آقا امدهواریم که مردم هم یک قدری بیشتر از این جرئتشان باشد همین امشب هم در همین محوطه بهینده میگفتند که این خیلی اسباب نگرانی خواهد شد خیر بده میخواهم عرض کنم اولاً سوء تعبیری نشود. مقصود دولت توجه دادن مردم است باین نکته که داشتن ملک یک وظیفه اخلاقی دارد و الآن هم یک وظیفه قانونی از برای مالکین ایجاد میکند و او عبارت از این است که نگذارید این زمین را که در دست شماست بی حاصل بماند این زمین با اصطلاح بشما زمین خواهد کرد ولی قانون از زمین بالاتر میرود اگر سعی نکردهید آباد کنید خوب می آید مجلس می نشیند فکر میکند راهی پیدا میکند از برای اینکه شمارا بکار وادارند بالاخره املاک را آباد کنند در مملکت تروت زیاد شود این کجایش باعث این خواهد بود که اسباب نگرانی شود بده حقیقتاً نمی فهمم بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

معدل - اجازه میفرمائید رئیس - چرا کافی نیست؟

معدل - عرض کنم این قانون یک قانون مهمی است که باید بگذرد و هر قدر ما آقای وزیر مالیه را از آنچه که بفرمان نظرمان میرسد آگاه و مستحضر نمایم چنانکه حقیقتاً ایشان بارها فرموده اند که من حاضریم که هر فکری را که بگویند و قابل این باشد که مورد بحث ما قرار دهیم قبول میکنم و بایستی بهشان عرض کرد. یک قانون باین مهمی تنها بکفر در اطرافش صحبت کند و بگذرد بنظر بده کافی نیست وقت هم که داریم چرا این فرصت ها را از کف بدهیم و خاطر ایشان را از آنچه که

نظرمان میرسد آگاه نکیم. (بعضی از نمایندگان - در مواد مذکوره شود)

**وزیر عدلیه** - در مواد صحبت فرمایید

**رئیس** - آقایانیکه موافقت با ورود در شور مواد قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) خوب شد. ماده اول قرائت می شود:

ماده اول - از تاریخ اجرای این قانون ماده سال دولت مجاز است کلیه خالصجات را باستانی رقبات مذکور در ماده پنج مطابق مقررات این قانون بفروش رساند.

**رئیس** - آقای دیبا

**طباطبائی دیبا** - چون در ماده اول است در ماده اول اول هم ممکن است که در کلیات صحبت کرد و در کلیات هم نوبه به نوبه رسید و یک مختصر عراضی داشتیم که میخواستیم تذکر بدهم که آقای وزیر مالیه هم توجه فرمایند این لایحه اولاً سه قسمت هم دارد یک قسمت فروش خالصجات است یک قسمت قرضه بانک فلاحی است یک قسمت هم تکلیف مالکین به آبادی و بقیه بده برای هر کدام از اینها یک لایحه مستقل و یک مواد فردی لازم است که بعدها در عمل اسباب اشکال نشود مثلاً راجع به ترغیب و تحریص مالکین به آبادی فقط اکتفا کرده اند یک ماده چهارده که آن ماده چهارده هم حقیقتاً یک قسه موهوم و جرم موهوم و مجازات موهوم است هیچ فایده ندارد غیر از اینکه یک نصیحتی است از طرف دولت ب مردم و راجع به مالک هم بده عقیده ام این است که یک قانون مفصلی که مشتمل بر یک موادی باشد که چنانچه در اینجا پیش بینی شده است دولت به مجلس تقدیم کند والا آقای وزیر مالیه با سابقه قضائی که دارند حقیقتاً یک همچو ماده مثل ماده چهارده که جرم و مجازات همه موهوم است هیچ فایده ندارد این است که بده عقیده ام این است که این سه قسمت لازم است تقسیم بشود و هر یک لایحه مستقلی داشته باشد یک عرض دیگر بده راجع بود باین که اینجا حق تقدم بچه اشخاصی داده شود آقای مؤید احمدی راجع باهل محل گفتند بده آن را معتقد نیستم بده اهل آذربایجان هشتم یک ملک در آنجا فروش می رود من حق تقدم داشته باشم این معنی ندارد ولی رعیت آن ده که حقیقتاً سالها رعیت است و

خوب نوشتن شود تاریخ اجرا با تاریخ خوب فرق زیادی ندارد چون مدت زیاد است ولی معذک ممکن است پیشنهاد فرمایند در کمیسیون مطالعه می شود در قسمت ثانوی هم که فرمودند قضیاتی است در مدت سه سال عرض میکنم اگر واقفا باید که این خالصجات بفروش برود و سرمایه بشود برای بانک البته تاریخ نامحدود که مقبول نیست و تاریخ کم هم که وقتش کافی نیست این است که ده سال در نظر گرفته شده است.

**طهرانچی** - اجازه فرمایید.

**رئیس** - چند دقیقه تنفس داده میشود بقدر پنج دقیقه که آقایان تجدید قوه میکنند (صحیح است)

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و فاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

**رئیس** - آقای طهرانچی در ماده اول فرمایشی دارید؟

**طهرانچی** - خیر عرضی ندارم

**رئیس** - ماده دوم قرائت میشود

ماده دوم - فروش خالصجات بتاریخ مزایده بدل خواهد آمد باین ترتیب که در هر حوزه کمیسیونی مرکب از سه نفر از رؤسای ادارات آن حوزه با انتخاب وزارت مالیه تشکیل خواهد شد کمیسیون پس از کسب نظر دو نفر خبره محلی حداقل قیمت هر ملک را معین و اعلان میکند مزایده از قیمتی شروع خواهد شد که حداقل قیمت تشخیص شده است.

**رئیس** - آقای کاشف

**کاشف** - بماده بده این ماده یک تقصیر دارد و آن این است که البته کمیسیون مرکب خواهد بود در هر حوزه از اعضای ادارات و رؤسای ادارات و حداقل قیمت را زیاد معین کنند. چنانکه در مزایده ها دیده شده است که یک قیمتی را معین میکنند و بالاخره پیشنهادی نمیرسد که بعد مجبور می شوند قیمت را پایین بیاورند در این جا هم ممکن است که همان نظر گرفته شود اینجا فرض فرمایند که قیمت حداقل معین شده دو یک هم میزان شده ممکن است که دو یک هم بدهد و بعد هم پیشنهادی نرسد و وقتی هم که پیشنهاد رسید بالاخره غرض حاصل نشود این بود که بده یک پیشنهادی تهیه کردیم و تقدیم میکنم و نظرم این است که در صورتیکه

یک همچو آقای بقتد یک تجدید نظری بعمل آید یعنی یک کمیسیون تجدید نظری باشد و با آقای آن کمیسیون اولی و دوسه نفر هم از خبره های محلی که در صورتی که حداقل زیاد باشد آن را تخفیف بدهند تا اینکه غرض حاصل نشود و به نتیجه برسند

**وزیر عدلیه** - بعد از آن آقا توجه فرموده اند باینکه قیمت از ماده که میگوید کمیسیون پس از کسب نظر دو نفر خبره محلی حداقل قیمت را معین میکند پانه اگر توجه فرموده اند تصور میکنم که نظر خبره اگر یک چیزی به آنها ندان خواهد داد که اینجا ذکر شده و اگر که نظر خبره تأثیری در کشف حقیقت و تعیین حد حقیقی آن ندارد که در تجدید نظر چه تأثیری دارد ولی با همه اینها شور اول است ممکن است که آقا پیشنهادشان را بدهند در کمیسیون هم مشورت میکنیم

**رئیس** - آقای طهرانچی

**طهرانچی** - عرضی ندارم

**رئیس** - پیشنهادی در ماده دوم رسیده

پیشنهاد آقای هزار جریبی:

مقام ریاست محترم مجلس شورای ملی دامت شوک بنده پیشنهاد میکنم ماده ۲ نوشته شود فروش خالصجات بطریق ذیل فروخته خواهد شد محصول سه سال متوسط هر ملک از پیش بپرداز وضع مالیات هفت برابر و ده برابر بفروشد در نقاطیکه املاک بازر خالصه با محصول آن کم و مخروبه شده و اسناد آبی دارد کمیسیونی تشکیل شده پس از کسب نظر دو نفر خبره محلی بمزایده فروخته می شود

**رئیس** - پیشنهاد دیگری است

پیشنهاد آقای کاشف:

اینجا تبصره ذیل را بده (۲) پیشنهاد مینماید:

تبصره - در صورتیکه در مدت مقرر در اعلان مزایده پیشنهادی نرسد کمیسیونی بنام کمیسیون تجدید نظر بصورت انضام کمیسیون بدالی و سه نفر از خبرگان محل تشکیل و در قیمت حداقل تجدید نظر بعمل آورده در صورتیکه قیمت اولیه را زیاد تشخیص دهد قیمت حداقل جدیدی معین و اعلان مناقصه را تجدید خواهد نمود

رأی = آقای دبا پیشنهاد آقای م را در تاریخ ۱۰ آبان ۱۳۰۳  
تکلیف می شود. ماده ۳ - قرائت می شود  
ماده سوم - باستانی انتصارات مالیات هر ملک که مطابق  
این قانون فروشن می رسد همان است که در قانون مالیات  
املاک ادبای مقرر شده بلیغ این مالیات که از روی  
عایدات سه ساله اخیر بدون آفت معین می شود در اعلان  
مراجعه تهریح خواهد شد.

رأی - اشکالی ندارد. ماده چهارم  
ماده چهارم - هر خالصه که ده هزار ریال یا کمتر قیمت  
داشته باشد فقط در مقابل وجه نقد فروخته خواهد شد -  
سایر خالصجات را میتوان با قساطی که مدت پرداخت آن  
از پنج سال تجاوز نکند فروخت بشرط بر اینکه لااقل  
ربع قیمت و اگر ربع قیمت ده هزار ریال یا کمتر باشد  
لااقل ده هزار ریال قداً تأدیہ گردد - سایر شرایط  
فروش بموجب نظامنامه های وزارت مالیه معین می شود  
رأی - پیشنهادی از آقای امیرنپور رسیده است  
پیشنهاد آقای امیرنپور:

اصلاح ماده چهارم را بطریق ذیل پیشنهاد میکند:  
ماده ۴ - هر خالصه که ده هزار ریال یا کمتر قیمت داشته  
باشد فقط در مقابل وجه نقد فروخته خواهد شد - سایر  
خالصجات را میتوان با قساطی که مدت پرداخت آن  
از شش سال تجاوز نکند فروخت بشرط بر اینکه لااقل  
خمس قیمت و اگر خمس از ده هزار ریال یا کمتر باشد  
لااقل ده هزار ریال قداً تأدیہ گردد. سایر شرایط فروش  
بموجب نظامنامه وزارت مالیه که از تصویب کمیسیون  
توانین مالیه خواهد گذشت معین می شود

رأی - پیشنهاد دیگری است قرائت میشود  
پیشنهاد آقای کاشف

این جانب ماده ۴ را بشرح ذیل پیشنهاد مینماید:  
ماده ۴ - هر ملک خالصه یا قسمتی از آن که ده هزار  
ریال یا کمتر قیمت داشته باشد فقط در مقابل وجه نقد  
فروخته خواهد شد - سایر خالصجات را میتوان با قساطی  
که مدت پرداخت آن از پنج سال تجاوز نکند فروخت بشرط  
بر اینکه لااقل خمس قیمت و اگر خمس قیمت ده هزار  
ریال یا کمتر باشد لااقل ده هزار ریال قداً تأدیہ گردد  
رأی - ماده پنجم قرائت میشود

ماده پنجم - خالصجات ذیل مذکور این قانون است  
۱ - املاک مزروعی حوزه طهران - میندوآب باستانی  
املاکی که دولت با افراد مشترکاً مالک است و املاک  
سراب باستانی قساطی که بموجب تصویب هیئت دولت  
معین میشود.  
۲ - خالصجات سیستان - بلوچستان - پشتکوه - لرستان  
بنی طرف و هندوچان که قسمتی از آن ممکن است مطابق  
نظامنامه هیئت وزراء با قساط یا بلا عوض بزراعتین  
واگذار شود  
۳ - اراضی خالصه واقعه در بنادر بطور کلی و اراضی  
خالصه واقعه در سواحل باستانی قساطی که دولت بموجب  
تصویب نامه معین کند  
۴ - خالصجات سیستان - بلوچستان - پشتکوه - لرستان  
بنی طرف و هندوچان که قسمتی از آن ممکن است  
مطابق نظامنامه هیئت وزراء با قساط یا بلا عوض بزراعتین  
واگذار شود  
۵ - اراضی خالصه واقعه در بنادر بطور کلی و اراضی  
خالصه واقعه در سواحل باستانی قساطی که دولت بموجب  
تصویب نامه معین کند  
پیشنهاد آقای میرزا موسی خان مرآت:  
بند اصلاح عبارتی فقره يك از ماده پنج را بشرح ذیل  
پیشنهاد میکند:  
۱ - املاک مزروعی حوزه طهران - میندوآب و املاک  
سراب باستانی املاکی که در قساط مذکور دولت با افراد  
مشترکاً مالک بوده یا املاکی که بموجب تصویب هیئت  
دولت باید فروخته شود.  
پیشنهاد آقای دکتر ادهم:  
مقام منبع ریاست دامت عظمته - در ماده ۵ و شق ۱ بند  
پیشنهاد میکنم اینطور نوشت شود.  
۱ - املاک مزروعی حوزه طهران و میندوآب و سرآب  
(آذربایجان) باستانی املاکی که دولت با افراد مشترکاً  
مالک است با قساطی که بموجب تصویب هیئت دولت معین  
می شود.  
پیشنهاد آقای دکتر طاهری:

ماده پنجم - خالصجات ذیل مذکور این قانون است  
۱ - املاک مزروعی حوزه طهران - میندوآب باستانی  
املاکی که دولت با افراد مشترکاً مالک است و املاک  
سراب باستانی قساطی که بموجب تصویب هیئت دولت  
معین میشود.  
۲ - خالصجات سیستان - بلوچستان - پشتکوه - لرستان  
بنی طرف و هندوچان که قسمتی از آن ممکن است مطابق  
نظامنامه هیئت وزراء با قساط یا بلا عوض بزراعتین  
واگذار شود  
۳ - اراضی خالصه واقعه در بنادر بطور کلی و اراضی  
خالصه واقعه در سواحل باستانی قساطی که دولت بموجب  
تصویب نامه معین کند  
۴ - خالصجات سیستان - بلوچستان - پشتکوه - لرستان  
بنی طرف و هندوچان که قسمتی از آن ممکن است  
مطابق نظامنامه هیئت وزراء با قساط یا بلا عوض بزراعتین  
واگذار شود  
۵ - اراضی خالصه واقعه در بنادر بطور کلی و اراضی  
خالصه واقعه در سواحل باستانی قساطی که دولت بموجب  
تصویب نامه معین کند  
پیشنهاد آقای میرزا موسی خان مرآت:  
بند اصلاح عبارتی فقره يك از ماده پنج را بشرح ذیل  
پیشنهاد میکند:  
۱ - املاک مزروعی حوزه طهران - میندوآب و املاک  
سراب باستانی املاکی که در قساط مذکور دولت با افراد  
مشترکاً مالک بوده یا املاکی که بموجب تصویب هیئت  
دولت باید فروخته شود.  
پیشنهاد آقای دکتر ادهم:  
مقام منبع ریاست دامت عظمته - در ماده ۵ و شق ۱ بند  
پیشنهاد میکنم اینطور نوشت شود.  
۱ - املاک مزروعی حوزه طهران و میندوآب و سرآب  
(آذربایجان) باستانی املاکی که دولت با افراد مشترکاً  
مالک است با قساطی که بموجب تصویب هیئت دولت معین  
می شود.  
پیشنهاد آقای دکتر طاهری:

ماده پنجم - خالصجات ذیل مذکور این قانون است  
۱ - املاک مزروعی حوزه طهران - میندوآب باستانی  
املاکی که دولت با افراد مشترکاً مالک است و املاک  
سراب باستانی قساطی که بموجب تصویب هیئت دولت  
معین میشود.  
۲ - خالصجات سیستان - بلوچستان - پشتکوه - لرستان  
بنی طرف و هندوچان که قسمتی از آن ممکن است مطابق  
نظامنامه هیئت وزراء با قساط یا بلا عوض بزراعتین  
واگذار شود  
۳ - اراضی خالصه واقعه در بنادر بطور کلی و اراضی  
خالصه واقعه در سواحل باستانی قساطی که دولت بموجب  
تصویب نامه معین کند  
۴ - خالصجات سیستان - بلوچستان - پشتکوه - لرستان  
بنی طرف و هندوچان که قسمتی از آن ممکن است  
مطابق نظامنامه هیئت وزراء با قساط یا بلا عوض بزراعتین  
واگذار شود  
۵ - اراضی خالصه واقعه در بنادر بطور کلی و اراضی  
خالصه واقعه در سواحل باستانی قساطی که دولت بموجب  
تصویب نامه معین کند  
پیشنهاد آقای میرزا موسی خان مرآت:  
بند اصلاح عبارتی فقره يك از ماده پنج را بشرح ذیل  
پیشنهاد میکند:  
۱ - املاک مزروعی حوزه طهران - میندوآب و املاک  
سراب باستانی املاکی که در قساط مذکور دولت با افراد  
مشترکاً مالک بوده یا املاکی که بموجب تصویب هیئت  
دولت باید فروخته شود.  
پیشنهاد آقای دکتر ادهم:  
مقام منبع ریاست دامت عظمته - در ماده ۵ و شق ۱ بند  
پیشنهاد میکنم اینطور نوشت شود.  
۱ - املاک مزروعی حوزه طهران و میندوآب و سرآب  
(آذربایجان) باستانی املاکی که دولت با افراد مشترکاً  
مالک است با قساطی که بموجب تصویب هیئت دولت معین  
می شود.  
پیشنهاد آقای دکتر طاهری:

پیشنهاد میکنم در ماده ۵ در قسمت ۱ نوشته شود  
۱- املاک مزروعی حوزه طهران و مابندوآب و در قسمت  
۲ بجای عبارت (که قسمتی از آن) نوشته شود که  
(قسمتی از آنها)

رئیس - ماده ششم قرائت میشود

ماده ۶ - حاصل فروش خالصجات نابجاء بمليون ريال  
بترتیب مقرر در ماده (۷) بانك فلاحی و صنعتی قرض  
داده خواهد شد - بقیه برای سایر امور اقتصادی ذخیره  
شده و بموجب قوانین مخصوص مورد استفاده میشود

رئیس - آقای مهمل

مهمل - بنده در اصل لایحه يك عراضی داشتم ولی  
فرست بدستم نیفتاد ولی چون ارتباطی با سایر مواد  
دارد عراضی میکنم و بیشتر فشارش اینماده است برای  
اینکه بنده متقدم که سرمایه بانك فلاحی بپسندی زیاد  
باشد نمیتواند وظایفی را که عهده دار است انجام دهد  
باین ترتیب که مقرر شده است وجوهی را که بانك با  
آن معامله میکند وجوهی است که باو قرض داده شده  
است و باید ب مردم قرض بدهد منتهی يك دلالی خواهد  
بود با این طریق بانك فلاحی نمیتواند تشکیلات وسیع  
و يك تشکیلات دائمی داشته باشد که به آن انکاء کند  
و همچنین نمیتواند يك ماملات طولی المده بکند باین  
منی که دهساله وجهی را دولت پیش او امانت میکند  
این سال ششم با هفتم نمیتواند يك معامله پنج ساله را انجام  
دهد و وجوهی هم که برای کمک بامور زراعی و  
فلاحی گرفته می شود وجهی نیست که بشود یکساله و  
دوساله پس داد باین جهت بنده خیال میکنم که بپسندی  
هر بلقی را که بانك فلاحی میخواهد با آن معامله بکند  
آن سرمایه او باشد حالاکه این املاک خالصه فروش  
میرود بهتر است که سرمایه این بانك فرار داده شود و  
اگر هم دولت میخواهد که به عارف دیگری برساند  
اصلاً این بانك سرمایه اصلش چه می شود بنده میخواستم  
بهینم آقای وزیر محترم مایه ممکن است موافقت فرمایند  
که این املاک خالصه که فروش میرود سرمایه اصلی  
بانك فلاحی شود و برای سایر موارد که در این لایحه

اگر دیدیم ضرورت دارد پنجسال دیگر هم بدینش اضافه  
می کنیم در هر حال باین عنوان باشد یا بعنوان سرمایه باشد  
در اصل قضیه قانونی نمیکند و بنده خیال میکنم که بهتر  
این است که این لایحه بهین ترتیبی که مطالعه شده  
بگذرد که ما شروع کنیم و عمل بکنیم چهار سال پنجسال  
عمل کنیم اگر دولت دید لازم است و احتیاج باین است  
که مدت آن قرض را که به بانك داده است حالا بپاید  
پس از آنکه این مدت به آخر رسد باز يك پنجسال دیگر  
تجدید کند ما نمی نخواهد داشت از برایش این کار اگر  
این که از محل فروش خالصجات بطوری که بنده پیش  
بینی میکنم پیش از آن پنج میلیون ریالی که ما گذاشته ایم  
از برای بانك بیداشد و دولت دید که مردم واقفاً پولهای  
را که از بانك گرفته اند دارند مصرف میکنند و بکارهای  
مفید میزنند شاید این که بپاید و همان پولها را خیال بکند  
که باید بدهد به بانك و بصرف کارهای اقتصادی دیگر  
برند ما عجبالتاً خواستیم که روی يك قشقه معین و روی يك  
مراهی معین کار کنیم و پولی بدهیم به بانك و بگوئیم  
که از این محل آنقدر خواهیم داد ب تو و اگر دیدیم که  
وضعیت يك بطوری است که می شود باز به بانك پول داد  
و از این محلها هم پولی بیداشد است دومرتبه به بانك  
خواهیم داد

رئیس - ماده هشتم قرائت میشود:

ماده هفتم - وجوه ذیل در بانك فلاحی و صنعتی امانت  
گذاشته میشود:

- ۱ - ۲۰ میلیون ريال بضامات دولت از وجوه صندوق
- ب - پنجاه میلیون ريال از محل فروش خالصجات به  
امانت ده ساله
- ج - عندالضرورة پنج میلیون ريال از وجوه دیگری که  
دولت در اختیار خود دارد باستانی وجوه انحصار قد  
و چای با امانت یکساله

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - بنده در ماده اول هم عرض کردم آقای مخبر  
جوایی به بنده فرمودند ظاهر این ماده این است که این  
وجوه به بانك داده می شود می فرغ در صورتیکه از مردم  
فرغ بگیرد بنده میخواستم عرض بکنم که وجوه صندوق

تقاعد مال مردم است و این فرع هم باید ب مردم عاید  
شود

وزیر مالیه - اولاد را اینجا بنده مجبور هستم که يك توضیحی  
بدهم که مقصود از امانت در اصطلاح بانکی قرض دادن  
است و اما راجع به وجوه صندوق قاعده بنده راجع به  
وجوهی که از فروش خالصجات حاصل می شود با وجوه  
دیگر نمیتوانم اظهار نظری کرده باشم شاید هم ضرورت  
نداشته باشد آنچه از بودجه بدهد برای از یاد سرمایه  
البته منفعت نمیخواهد و قرض میدهد ولی آنچه که که  
از راه فروش خالصجات میدهد آراهم نظر ندارد که يك  
استفاده مادی از بانك بکند زیرا که بخودش بر میگردد.  
اما راجع به پول صندوق قاعده فرمودند وجوه صندوق  
تقاعد يك پولی است که البته پیش دولت امانت است و  
دولت پولی را که از بانك بگیرد صدی سه میدهد و او  
هم صدی سه خواهد داد

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده میخواستم راجع به سرمایه بانك فلاحی  
عرض کنم سرمایه که دولت در آن جا گذاشته  
است و آنوقت خود بانك هم يك معاملاتی کرده است  
بنده میخواستم بدانم وجوه حاصله از معاملاتی هم که  
کرده است ضمیمه سرمایه بانك فلاحی می شود یا نه

وزیر مالیه - در قسمت اول که فرمودند که آیا آن معاملات  
هم ضمیمه سرمایه می شود یا نه این که محل حرف نیست  
اما آن معاملاتی که بانك قبلاً کرده است اگر روی يك  
قراردادهائی بوده است که ما نمیتوانیم آنرا هم بترمیم  
بالاخره يك قراردادی است که در موقع خودش منعقد  
شده است و يك ترتیبی داشته است البته نمی شود آمد  
آنها را بانك قانونی برهم زد

رئیس - پیشنهادی آقای امیر تیمور در ماده هفت کرده اند  
قرئت می شود:

پیشنهاد میکنم کلمه عندالضرورة از بند (ج) ماده ۷  
حذف شود.

رئیس - ماده هشتم قرائت میشود

ماده ۸ - دولت مکلف است در بودجه سال ۱۳۱۳ و  
۱۳۱۴ - الی پنج میلیون ريال برای افزودن به سرمایه

بانک فلاحتی و صنعتی منظور بدارد

رئیس - ماده نهم قرائت میشود

ماده ۹ - بانک فلاحتی و صنعتی از محل های درآمده فوق و سرمایه ملی خود هر سال مبلغی برای انجام مقاصد مذکور در ماده ۱۰ فرض خواهد داد

موت فرزند های هر سال مطابق نظامنامه های مصوب مجمع عمومی بانک فلاحتی و صنعتی خواهد بود

مجموع رچوهی که بانک در ظرف ده سال فرض میدهد سیصد و پنجاه میلیون ریال و مبلغ قرضه های هر سال بترتیب ذیل است

سال اول	۲۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال
۱ دوم	۲۰۰۰۰۰۰۰۰
۲ سوم	۲۰۰۰۰۰۰۰۰
۳ چهارم	۳۰۰۰۰۰۰۰۰
۴ پنجم	۴۰۰۰۰۰۰۰۰
۵ ششم	۴۰۰۰۰۰۰۰۰
۶ هفتم	۴۰۰۰۰۰۰۰۰
۷ هشتم	۴۰۰۰۰۰۰۰۰
۸ نهم	۵۰۰۰۰۰۰۰۰
۹ دهم	۵۰۰۰۰۰۰۰۰

رئیس - پیشنهاد آقای امیر تیمور قرائت میشود

اصلاح قسمت آخر ماده ۹ را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم بانک فلاحتی مدت قرضه ها را در هر سال مطابق نظامنامه که بصورت مجمع عمومی بانک خواهد رسید معام و قرضه های فلاحتی تا ده سال تمدید میشود

رئیس - ماده دهم قرائت میشود

ماده ۱۰ - وجوه مذکوره در ماده فوق را بانک منحصرأ برای انجام یکی از مقاصد ذیل میتواند فرض بدهد

الف - ایجاد توسعه باغبودی زراعت بیه - جای چغندر پسته - بادام - کتف - ذیل - روناس - ابریشم و یا هر نوع محصول دیگری که ایجاد بانوسه آن در ولایتی که مدنظر گرفته شده است مفید باشد این نوع محصولات در نظامنامه های که اداره کل فلاحت تهیه و هیئت وزراء تصویب میکند معین خواهد شد

ب - اصلاح زراد حیوانات اهلی و مصولاتی که از حشم و مواشی بدست می آید

ج - ایجاد بانک و تعمیر قنات و بطور کلی اصلاح امور آبیاری

د - ازدیاد صادرات فلاحتی

رئیس - آقای فرشی

فرشی - در این جا بنده يك چیزی را لازم میدانم تذکر بدهم که باز قلم افتاده و با فراموش شده است در قسمت الف میبایستی يك زیتون هم اضافه شود و در این باب پیشنهادی هم داده ام یکی هم در قسمت (ج) که نوشته است ایجاد بانک و تعمیر قنات کلمه سددیدی هم باید علاوه شود چون بعضی رودخانه های که آبیاری آنها بحد مرود و بطور کلی اصلاح امور آبیاری باید بشود این است که پیشنهادی کرده ام و بطور تذکر هم عرض کردم

قلمبر مالیه - در موضوع زیتون بنده میخواهم عرض کنم که آقا صرف نظر فرمایند والا ترس دارم از این که هر کدام از آقایان بنابر اطلاعاتی که دارند یکی از محصولات ارضی را پیشنهاد کنند و بگویند فانی هم ندارد و حالا به این که بنده مخالف با این باشم ولی ممکن است دچار همان محذور بشوم و البته ما خودمان و اداره فلاحت بد نظر دارد که بطور کلی هر نوع محصولی که تشخیص بدهد مفید است در نظامنامه که میخواهد قید کند و اما راجع به آبیاری و سددیدی هم عرض کردم و تصور میکنم همین عبارت آبیاری هم کافی باشد ولی مهندس پیشنهاد بدهید در کمیسیون هم صحبت خواهد شد

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده میخواستم عرض کنم خوبست در این ماده يك قرضه های معین شود برای فلاحتی برای خرید گاو جهت زراعت و ساختن سکه و ایجاد باغ و قسدهای دیگری که عامل مؤثر برای پیشرفت امور فلاحتی است که از جمله یکی همان خرید گاو برای زراعت است چنانکه می بینیم در خیلی جاها بقدی گاو مبری شروع شده است که ملاکین سرمایه دارند که بجای آن گاوها گاو تهیه کنند و در این جا پیش بینی نشده و مفیده بنده لازم است

مخبر - پیشنهاد بدهید در کمیسیون مذاکره میشود رئیس - آقای محیط

محیط لاریجانی - اگر چه وقت ضیق شده است ولی بنده يك جمله عرض داشتم که میخواستم در اول لایحه عرض کنم چون موفق نشدم حالا عرض میکنم تمام سعی دولت و جهد امروزه برای آبادی املاک است و تأسیس بانک هم اصلاً برای آبادی املاک است و آبادی املاک هم يك اثری دارد که بر ثروت مملکت و بر آبادی و بر رعیت و بر خوشی آب و هوا می افزاید ولی چیزی که در اینجا نظر اصلی شده است طرز آبیاری مملکت است این جا بانک فلاحتی نباید نظرش این باشد که يك مؤسسه باشد هر کس از ادب مؤسسه می آید برای ده تومان قرض کردن صد تومان قرض کردن بدهد بلکه بایستی سعی کند سرمایه بدهد بدین فلاحتی که از راه عمل و از راه اطلاع و از راه مشروع شروع بکند و بچشم تجربه پیدا ثابت شده است که اصول فلاحت امروزه غیر از اصول فلاحتی سابق است حاصلی که امروز در نتیجه است قد است که چندر باشد پینه است این حاصلها هر دو بتجربه آیش با آب گندم بیشتر تصور میکردیم نه اس داشت ولی امروز می بینیم که آب گندم راهم آنها میرند برای این که آبیاری بیه از شب شروع میشود تا آخر میزان آب میخورد چندر هم از شب عید شروع می شود تا آخر میزان بلکه تا ۱۵ عقب هم آب میخورد و گندم هم از سه ماه که کاشته می شود هر دوازده يك مرتبه آب میخورد اگر بخواهند آب قنات را زیاد کنند زیاد کردن آب قنات هم يك نحدی دارد آیش تا حد نخودش که رسید دیگر نمی شود پایه قنات دیگر میخورد و فایده ندارد فقط باید در رودخانه های که خداوند صورت طبعیت به آنها داده است يك سد می بست جلوی آنها که آیشان برگردد و از آن آب زراعت بکنند و هر دو زراعت را تأمین میکند هم راجع باشجار و هم راجع به حیفی و هم راجع به شتوی همه اینها را و حالا هم که نظر دولت راجع به بسط همه اینها است خوب است این قسمت ها را هم مدنظر بگیرند

مخبر - مذاکرات نامبنده محترم موضوعی نبود که

کسی مخالف آن باشد در لایحه چنانچه بنا باشد تسلیم جزئیات را صورت بدهد و شرح بدهد از صورت قانونی می نقد و نمی شود تمام جزئیات و حواشی را در لایحه و در قانون کتبی این قسمت ها در نظامنامه نوشته می شود و پیش بینی می شود آنگاه موافق بودید اگر يك نظریات خاصی دارید پیشنهاد کنید کمیسیون صحبت خواهد شد

رئیس - پیشنهاد ها قرائت میشود

پیشنهاد آقای فرشی:

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکته: این بنده پیشنهاد میکنم در ماده (ج) اینطور نوشته شود

ج - ایجاد بانک قنات و سددیدی در رودخانه های که آب آنها بهر د مرود و بطور کلی اصلاح امور آبیاری پیشنهاد آقای مدنی:

مقام محترم ریاست دامت شوکته

بنده پیشنهاد میکنم تریاک بدواز کلمه ابریشم در قسمت الف ماده ۱۰ ضمیمه شود پیشنهاد آقای امیر تیمور کلای:

بند (ج) از ماده دهم را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم:

ج - ایجاد بانک و تعمیر قنات و نهرها و بندسازی و بطور کلی اصلاح امور آبیاری پیشنهاد آقای دکتر ملک زاده:

پیشنهاد میکنم - درخت که که در ماده اضافه شود پیشنهاد آقای دهستانی:

پیشنهاد میکنم - در ماده ۱۰ قسمت (ج) بطریق ذیل اصلاح شود

ج - احداث و تقیه و تعمیرات قنات و ایجاد نهر و بطور کلی اصلاح امور آبیاری و ساختن سکه رعیت پیشنهاد آقای ملک مدنی:

پیشنهاد مینمایم به ماده ده اضافه شود:

برای خرید گاو زراعتی و بناء سکه در فراء اضافه شود پیشنهاد آقای فرشی:

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکته

این بنده پیشنهاد میکنم در ماده ده در قسمت الف پس از کلمه بادام زیتون هم علاوه شود.

رئیس - ماده یازدهم خوانده میشود

ماده ۱۱ - بانک فقط در مقابل وثیقه ملکی فرض خواهد داد فرع قرضهایی که برای مقاصد مذکور در ماده فوق داده می شود نباید از صدی شش در سال تجاوز کند  
رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده موضوعی را که خواستم عرض کنم یکی راجع به وثیقه ملکی است که بنده عقیده ام این است که اوراق بھادار هم اضافه شود و یکی هم موضوع فرع صدی شش اگر چه همانطور که فرمودند اجاری نیست که فرع صدی شش باشد و حد اکثرش را هم معین کرده اند ولی بنده میخواستم عرض کنم که دولت نظر قمع زیادی برای خودش از این پول در بانک فلاحی ندارد مگر وجهی که بابتی پول قاعد تعلق بگیرد و خرجی که باید برای احداث بکند بنا بر این در ربح صدی شش یک ربح زیادی حاصل می شود مثلاً در سال هشت سصد هزار ریال و در سالهای هفتم و ششم و پنجم دویست و پنجاه هزار ریال و چون دولت منظورش ارفاق است و قمع زیادی در نظر ندارد و همانطور که قبلاً گفته شد در قروض طویل المده ممکن است که با فرع صدی شش قنمی برد حالا آن کسیکه استقراض میکند میخواهد یک قنمی را تعمیر کند سه سال چهار سال طول دارد تا این قنات را حفر کند بعد تا سال سوم و چهارم که قنات تمام شد نازه باید بولها را پس بدهد و این فرع صدی شش را نیز باید هم ساله پردازد خوب سال سوم و چهارم که قنات تمام شد نازه قنات عایدی ندارد که این پول را بدهد آنوقت این فرع هم که رویش آمده باشد مانع از یسرفت کارش می شود و دیگر برایش صرفه نخواهد داشت این است که برای تذکر عرض میکنم که اگر بخواهد بگذارد حدی که معلوم نمی شود که چند خرج پیدا میکند و نمیتوان هم قبلاً پیش بینی کرد که چند مخارج می شود و باید در نظامنامه نوشته شود برای کارهایی که نقش یعنی حاصلش در مدت کمی بدست نمی آید یعنی از یکسال تجاوز است باید نرخ ربح را پایین ببرد و

الا يك کسی میخواهد زراعت جای کند پنجال اصلاً محصول نمیدهد آنوقت تا پنجال هم فرع صدی شش بدهد و البته این باید يك مبلغ کلی فرع بدهد و بنظر بنده این قبیل قرضه های طویل المده برای کارهایی که استفاده از شش يك مدتی زیادی لازم است يك ارفاقی در فرع بشود خیلی خوب است

مخبر - نظر نماینده محترم این بود که در بعضی موارد ممکن است فرع صدی شش اگر در طی سنوات از يك فرض کنند مطالبه شود سنگینی این بار بقدری خواهد بود که نمیتواند نهادهای خودش را انجام بدهد و از این نهادهای استفاده کند همینطور هم هست از جمله مثلاً برای جای که يك مدتی طول دارد تا استفاده کند همین جهت هم بود که نوشته اند از صدی شش تجاوز نکند و البته اگر همچو مواردی پیش بیاید هیئت مدیره بانک مطالبه میکند و از همین راه رفع نگرانی خواهد شد

رئیس - آقای امیر تیمور

امیر تیمور - عرض میکنم آنچه از ظاهر عبارت ماده معلوم است این است که بانک فرعی را که مطالبه میکند از صدی شش تجاوز نخواهد کرد ولی حالیه در عمل يك چیزهایی مقدماً بعنوان حق العمل گرفته می شود خواستم آقای وزیر محترم مالیه يك توضیحی بفرمایند که آیا در آیه هم باز این مخارج مقدمانی مأخوذ می شود یا خبر ولی بنده امیدوارم که چیزی مأخوذ نمی شود

وزیر مالیه - نماینده محترم در خارج از جلسه این سوال را از بنده کردند و بایشان عرض کردم که نظر در این است که غیر از آنچه معین شده است بعنوان دیگر چیزی گرفته نشود و الا چه تفاوت خواهد کرد که شما از يك کسی صدی شش بعنوان فرع بگیرید و صدی سه هم باز بعنوان کسب و امر مثل اینها بگیرید پس آن مبلغ که باید بدهد باید در نظر گرفت و اصل قمع را نگاه کرد حالا اگر مقصود این بود که این مطالبی را که بنده در خارج عرض کردم در این جا هم گفته شود که عرض کردم (امیر تیمور - متشکره)  
رئیس - پیشنهاد آقای کاشف بکه - چون مراجعه میشود ماده دوازدهم قرائت میشود

ماده ۱۲ - هرگاه وجه استقراضی برای کاری که منظور از استقراض اعلام و در قرار داد تصریح بآن باشد شده مصرف نشود بانک برای مدیون اخطار به فرستاده و مبلغ بدهی را مطالبه خواهد کرد در صورتیکه مدیون در ظرف سه ماه دین خود را نپردازد بانک بفروش ملک می کند و وثیقه دارد اقدام خواهد نمود. در مورد این ماده مدیون علاوه بر فرع مقرر جریمه معادل صدی دوازده وجه استقراض در سال از ابتدای استقراض تا روز وصول طلب خواهد پرداخت

اختلافات حاصله از مقررات این ماده بطریق حکمیت قطع و فصل میشود.  
رئیس - آقای کاشف

کاشف - در قسمت فرع همانطور که فرمودند و توضیح دادند برای کارهای عام المنفعه و طویل المده هر چه کمتر باشد سهلتر و بهتر است اما جریمه های که اینجا معین شده بعقیده بنده غرضی را حاصل نمیکند برای اینکه سه قسم مردمی ممکن است که استقراض کنند يك قسم اشخاصی هستند که واقعا نظرشان قنکثیر حاصل است البته ابتدا مشمول این ماده و جریمه نمیشوند يك قسم اشخاصی هستند که استفاده چینی هستند که رو به طرفه حد اعلایش این است که ممکن است از بانک بولهایی قرض کنند و بعد مورد استفاده صرافی قرار بدهند برای اینکه این بانک که برای صرافی دیگران دائر نشده يك عده اشخاص هم هستند که پول را میگیرند و دور میریزند با هم ممکن است به صراف دیگری بزنند و به صرف خرج عروسی آقا زاده بزنند بالاخره آن منظور حاصل نشده و ملک هم از دست استقراض کننده خارج میشود و بالاخره ممکن است آن ملک هم بفروش رود و در حساب بانک باقی بماند و بواسطه بوائش يك خالصجات جدیدی برای دولت تهیه شود برای این يك پیشنهادی هم تهیه کرده ام بنده صدی هیجده را در سال کم میدانم و با همین صدی هیجده ممکن است پول گرفت و تصدی بیت و چهار استفاده کرد و این مورد استفاده را باید از دست استفاده چینی گرفت این

بود که بنده هم پیشنهاد کردم که يك جریمه صدی سه در ماه برای این قبیل اشخاص در نظر بگیرند.

رئیس - آقای طهرانی

طهرانی - بنده میخواهم يك توضیحی عرض کنم در ماده ۱۰ قید شده است که به مالکینی قرض داده میشود که يك زراعتی بخصوصی را بکنند ماده ۱۲ هم میگوید که اگر آن شرایط را تخلف کردند جریمه گرفته میشود بنده خواستم اینرا عرض کنم که آیا وزیر محترم مالیه فکر ارزاق عمومی مملکت را هم کرده اند خوب این فرق نمیکند زارع مالک اینها همه يك چیزهایی که برای مملکت لازم است تهیه میکنند يك چیزها و موادی لازم است برای صادرات مملکت هم البته يك چیزهایی لازم است و يك چیزهایی هم هست که عمل احتیاجات داخلی و ارزاق داخلی است حالا بنده میخواستم عرض کنم که اگر يك مالکی آمد و يك پولی را از بانک قرض کرد يك قسمت آنرا صرف موادی کرد که در ماده ده قید شده است مثل بنیه و ایریشم و کتفو آن چیزهایی که مقتضی است و يك قسمی از آنرا هم به مصرف کندم و آن چیزهایی که ارزاق عمومی است رسانید حالا ما دورین دولت هم که نمی توانند از این قانون تخلف کنند این شخص را مسئول نمیکند که چون تو این زراعت را کاشتی تخلف کردی بنده خواستم اینرا آقای وزیر مالیه توضیح بفرمایند.

وزیر مالیه - اولاً البته آنچه تصدیق خواهند کرد که منظور دولت این نیست که به موجب يك ماده که اینجا ماده ۱۰ شده است بیاید و کاری میکند که سر تا سر این مملکت تمام بنیه کاشته شود و یکمرتبه کندم که ارزاق عمومی است اصلاً از بین برود درست توجه بفرمایید اگر آمدیم و در حدود آن چیزی که در این ماده نوشته شده است. عرض میکنم ماده چه میخواهد بگوید ماده میخواهد نشان بدهد که در درجه اول از برای این قبیل محصولات که اینجا نوشته شده ما میخواهیم سعی کنیم که توسعه پیدا کند ولی بعد هم اضافه میکنیم و با هر نوع محصول دیگری که

ایجاد با توسعه آن در ولایتی که در نظر گرفته شده مفید باشد اگر بنا شد در يك محل زراعت كنند مفید باشد باجور مفید باشد و از برای آبادی آنجا مفید باشد خوب این مامی نخواهد داشت پس گمان میکنم هیچ تکرانی ندارد شب هم دیر است و بهتر این است که آقایان زودتر این قانون را تمام کنند

پیشنهاد آقای کاشف

اینجناب پیشنهاد مینماید که در جمله آخر ماده ۱۲ اصلاح ذیل بعمل آید :

بعوض (صدی ۱۲) صدی ۳ و بجای در سال در ماه مقرر گردد

پیشنهاد آقای امیر تیمور گلای

قسمت اخیر ماده ۱۲ را از جمله اختلافات ببرد حذف و اصلاح آنرا بطریق ذیل پیشنهاد میکند .

هرگاه مدیون مدعی باشد که وجوه استقراضی را بصرف مقرر در قرار داد رسانده و ادعای او موردانکار بانك باشد قضیه از طریق حکمیت باید قطع و فصل شود و از روز وصول اخطاریه بانك بمدیون در طرف يك ماه باید مدیون حکم خود را معلوم کند و در طرف بکماه هم بانك حکم خود را تعیین نموده و ترتیب اجرای حکمیت در قرار داد استقراض پیش بینی میشود .

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

مقام منبع ریاست دامت عظمته .

پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ نوشته شود که مجازات در صورتی تعلق میگردد که وجه را بصرف آنچه در قرار داد تصریح شده نرساند و بصرف یکی از مصارف دیگر منظور در ماده ۱۰ هم نرسانده باشد .

پیشنهاد آقای شریعت زاده

بنده پیشنهاد میکنم عبارت سطر پنجم ماده ۱۲ باین ترتیب اصلاح شود .

در مورد این ماده مدیون علاوه بر فرع مقرر باید جریمه معادل صدی سه وجه استقراضی در سال از ابتدای استقراض تا روز وصول بپردازد

خارجی بهشان فرض خواهیم داد ولی مسلم این مانع از این نخواهد بود که يك واقعی باشد و قطعاً هم هست که يك اشخاص هستند یعنی کارخانه دارند و يك قسمت را بخواهند تکمیل کنند يك قسمت این احتیاج باسعار خارجی است يك قسمت هم مخارجی است که حمل و نقل و اینها است که در خود مملکت خرج میشود البته این قبیل قروض را خواهیم داد ولو اینکه بعد معادل او بریال باشد

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود :

پیشنهاد آقای شاهرودی

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکته بنده پیشنهاد مینمایم در ماده ۱۳ بعد از عبارت (این وجوه مخصوص اعطای قرضه هائی خواهد بود که صاحبان کارخانها برای بسط و تکمیل) کلمه (تبدیل) هم اضافه شود

پیشنهاد آقای طباطبائی دیبا

پیشنهاد مینمایم جمله بعد قرضه هائی خواهد بود به ترتیب ذیل اصلاح شود که اشخاص برای ایجاد کارخانها یا بسط و تکمیل آنها الی آخر .

پیشنهاد آقای طهرانچی

اینجناب پیشنهاد میکنم در ماده ۱۳ صاحبان کارخانه بمؤسسات صنعتی تبدیل گردد .

رئیس - ماده ۱۴ قرائت میشود

ماده ۱۴ - کلیه مالکین املاک مزروعی مکلفند مطابق نقشه‌ای که برای آبادی و بهبودی محصولات فلاحی از طرف اداره کل فلاحات تنظیم و بتصویب هیئت دولت میرسد عمل کرده و در مدتی که برای اجرای آن نقشه معین میشود آرا بموقع اجرا بگذارند . باهر مالکی که در مدت مقرر نقشه اصلاحات فلاحی را اجرا نکند مطابق مقررات قانونی که بعداً وضع میشود رفتار خواهد شد .

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - البته با توضیحاتی که از طرف آقای وزیر مالیه راجع باین ماده داده شده است برای بنده بسیار مشکل است که نسبت باین ماده استفساری کنم اما چون نظری که بنده اظهار میکنم مبتنی بر آن عللی نیست که

آقایان دیگر اظهار تکرانی کردند عرض میکنم این نقشه‌ای را که اداره فلاحات تنظیم خواهد کرد این را يك قانون لازم‌العملی تلقی کرده‌اند فلاحات و آبادی يك مملکتی مطابق ترتیباتی که اساس و اصول تولید ثروت تغییر بکند از مسائل بسیار مهمی است که باید در آن مورد مقابله عمیق و با دقتی از حیث تناسب آن کار با قوه کار و فعالیت جامعه بعمل آید و این مطلب بسیار مهم است و بنده تصور میکنم که مقتضی باشد ما در این ماده بتوسیم که نقشه که اداره فلاحات برای فلاحات معین خواهد کرد این اجباری است اطاعت و اجرای آن . بعلاوه اینجا يك اصولی مقرر شده است که بانك فلاحاتی در نتیجه که يك ایجاد وسایل موقوفیت برای کسانی که میل بآبادی دارند تأمین بکنند آیا این اصل کلی شامل کسانی است که بانك آنها كلك میکنند یا بطور کلی شامل تمام مالکین است از این جهت است که این ماده قابل توجه است ولی بانظریات آقای وزیر مالیه که اهالی مملکت باید فعالیت و فکر خودشان را در آبادی املاکشان صرف کنند که نتیجه آن تولید ثروت و آبادی و عمران مملکت و تقویت بنیه کسانی است که تولید ثروت میکنند موافق هستیم ولی این مطلب را هم خواستم تذکر بدهم .

مخبر - عرض کنم که منظور دولت هم این است و مذاکره هم در کمیسیون قوانین مالیه همین بود که کلیه مطابق قسمت اول ماده که مینویسد کلیه مالکین املاک مزروعی مینویسد اشخاصیکه قرض میکنند از بانك بنا بر این همینطور در قسمت سؤال آقا که این ماده مربوط بکلیه مالکین است یا متوجه باشخاص است عرض میکنم متوجه کلیه مالکین است . در قسمت ثانی راجع به نقشه فرمودند اینجا مینویسد نقشه که برای آبادانی مملکت لازم است تهیه میکنند و بتصویب هیئت دولت میرسانند چربان معمولی لوایح هم همینطور است یعنی وزارتخانه مربوطه تهیه لایحه میکند بعد مطابق قوانین با اجرا میرسد اگر چنانچه تکرانی دیگری برای آقا حاصل است توضیح بدهید تکرانی از چه



باینست بنده ممکن است آثارا قانع کنم در موضوع طرز آبادانی املاک که مورد فرمایشات آقا بود اگر چنانچه بتوضیحات بنده رجوع فرمایند تصور میکنم توضیح داده شده است دیگر اشکالی ندارد (نمایندگان - احسن - احسن)

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض میکنم که بیانات و فرمایشات آقای وزیر محترم مالیه را خیال میکنم که همه ماها در جنی خودی قبول داریم و یکی از اشخاصی که خیلی معتقد است که يك نظامی برای پیشرفت و فعالیت زراعت و فلاحی از نقطه نظر آن اصول کلی که در مملکت هر قسمتی باید ترقی کند لازمست بنده موافق هستم که باید يك نظری اتخاذ کرد ولی بنده در اینجا خواستم يك نکته را تذکر داده باشم که همینطور که آقای شریعت زاده تذکر دادند این چون يك صورت قانونی بخودش میبرد و البته پس از اینکه مطابق این لایحه صورت قانونی بخودش گرفت هر کس مکلف است که اطاعت کند لذا بعقیده بنده خوبست که ما اینجا قید کنیم که این نقشه اداره فلاحی بتصویب کمیسیون قوانین مالیه بتصویب مجلس باشد (بعضی از نمایندگان - بتصویب مجلس) در صورت عقیده بنده این است که کمیسیون قوانین مالیه را هم در این نقشه دخالت بدهیم

وزیر مالیه - بنده تصور میکردم که با عریضی که کردم آقایان در این موضوع این اظهار را تکرار نمیفرمایند که بنده باز مجبور شوم جواب عرض کنم ولی چون می بینم که این اظهارات شده خودم را ناچار می بینم جواب هائی بدهم و بگویم که حیف است تکرار کنیم حیف است که ما بعد از چندین سال تجربه فتره باز آن نظرها و حس سوءظنی که سوابق ایام عادت بر این جاری شده بود که مجلس بغیر از خودش همه با آن سوءظن نگاه میکرد باز هم با همان نظر همه اصلاحات نگاه کنند آقایان مثل این می ماند که تصور میکنند که يك هیئت دولتی میرود فکر میکنند که بچه وسیله ما يك نقشه

میرماید در کجای دنیا این کار را کرده اند که شما بکنید که در هر کاری مجلس را دخالت بدهند که چطور بایستی نقشه فلاحی را تهیه کرد و هر چیز کوچکی را بگویند مجلس مجلس عرض کردم اگر مقدمه را ما قبول میگردیم میگفتیم بله باید بکارها بحس سوءظن نگاه کرد صحیح بود ولی عرض میکنم حیف است از آقایان که با حس سوءظن بکارها نگاه میکنند حالا خوب آقایان می آیند و ما هم نگاه میکنیم این موضوع را فرض کنیم بنده بیرون طرف سوءظن را میگیرم خوب اشکالی ندارد که يك کسی فرض کند که يك اداره فلاحی می آید و يك نقشه را طرح میکند که همه اش غلط است اینرا هم گوش ندادند خوب چه میشود بعد دولت می آید این دولت کذائی که هیچ چیز سرش نشده کمیسیون قوانین مالیه هم بالای سرش نیوده که رعایت بکنند حالا این دولت با يك لایحه می آید بمجلس و میگوید که آقایان بیایید و يك فکری بکنید برای مالکین که مطابق این نقشه عمل نکرده خوب لابد فرض این است که مجلس مثل ماها که نخواهد بود یعنی دولت نیست که عقلت نرسد خوب عقلت میرسد میگوید آقا من هیچ این را قبول ندارم اصلاً مطالعه هم نمیکند و رأی هم نمیدهم خوب دیگر چه چیز برای شما اسباب نگرانی است؟ پس آقایان اذیت نکنید شب هم گذشته است بگذارید کار تمام شود.

همی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

شریعت زاده - بنده عرض دارم

رئیس - با کفایت مذاکرات مخالفت کنید؟

شریعت زاده - بنده يك توضیحی را میخواستم عرض

کنم آقایان میفرمایند مذاکرات کافی است از لحاظ بیان توضیحی را که در نظر دارم لازم میدانم از مجلس استیضاح کنم که اجازه بدهند توضیح بدهم (نمایندگان - بفرمائید آقا) بنده نبودم در مجلس نمیدانم که همکارهای دیگر بنده چه توضیحاتی دادند لیکن توضیحاتی که از طرف خود بنده بیان شده است هیچ حاکی از سوءظن نسبت به دولت نبوده است و بلکه منشاء توضیحات بنده این بود

که اصلاً کارهای مملکت باید در نتیجه بحث در مجلس شورای ملی در قسمتهائی که جنبه قانونی دارد بعمل آید بنده خیال می کنم که طرح يك نقشه که مربوط به جنبه فلاحی و قوه مالی مملکت است از جمله طرحهائی است که باید مجلس به آن نظر داشته باشد چنانچه عرض کردم باید تناسبی بین نقشه و قوه جامعه از حیث تولید ثروت وجود داشته باشد اگر نباشد که در هر موضوعی تخصص ما و درین اجرا این احتیاج را مرتفع کند آنوقت فلسفه نسبت به تشکیلات نمیتوان فرض کرد بنده عرض میکنم اداره فلاحی ممکن است که با کمال حسن نیت نقشه هائی برای اجرا شدن طرح بکنند با استناد این ماده قانونی که می نویسد (باید) و وقتی که می نویسد (باید) این يك انشاء قطعی است یعنی نسبت به همه اجباری است از این نقطه نظر بود که بنده این توضیحات را دادم و حضرت آقای وزیر محترم مالیه که خودم تصدیق میکنم که تا يك حدی پرورش من در نتیجه افکار ایشان بود تذکر بدهم اگر نظرشان این بوده است که بنده در نظریات خودم حسن نیت نداشته ام استدعا میکنم این را توضیح بدهند که معلوم شود.

وزیر مالیه - متأسفانه بنده در يك قسمت از نظریات آقا موافق نیستم که در هر چیزی مجلس باید نظر داشته باشد بنده عقیده ام این است که قوه مجریه در هر قسمتی که راجع با اجرا است مثل همین چیزی که الان مورد مباحثه است صلاحیتش بیشتر است و بهتر هم میدانند حالا فکر سیاسی بنده را آقایان میخواهند اعلام بکنند این راجع باین قسمت اما راجع بتوضیحاتی که بنده دادم متأسف دارم از اینکه آقا تشریف نداشتند در این جامه ذکره شد صحبت سر این شد که خبر حتماً بایستی در کمیسیون قوانین مالیه بیاید بعضی از آقایان دیگر گفتند باید بیاید در مجلس بنده گفتم خبر آقا بالاخره عمده نظری که عقیده آقا آزاد است عقیده بنده هم آزاد است آقا عقیده تن این است که مجلس شورای ملی در تمام موضوعات وارد باشد بنده این عقیده را دارم

که خیر در این طور چیزها لزومی ندارد که وارد باشد اگر مجلس نداند که در کجا کل خطمی باید کاشت و در کجا بنفشه عالم بهم نخورد خورد و ممکن هم هست دولت هم يك خبط هائی بکند و بالاخره دنیا بهم نمیخورد بنده عقیده ام این است همین مسئله عمرز است که در این قبیل قضایا نه مجلس ایران هیچ مجلسی در يك قسمتهائی که دستگاهش هم وسیع تر باشد در این قبیل امور مداخله ندارد. شما مگر خودتان دیده اید هیچ ایرادی هم به مجلس شورای ملی ما نیست در همه جا این اتفاق میافتد اینجا صحبت شد که چه معمولاتی باشد چندتا در قانون نوشته شد یکی از آقایان يك چیز دیگری پیشنهاد کرد از ایشان خواهش کردم آقا در این مطلب را بگذارید برای اینکه یقین داشتم که اگر مجلس کرم این صحبت شود با کمال حسن نیت ممکن است يك پیشنهاداتی داده شود و يك صورت جامعی از نیازات تهیه بشود و البته ممکن هم بود که يك دلایل هم بیاورند برای پیشرفت مقصود خودشان ولی بالاخره باید که در يك همچو مطالعاتی بگذردی بیشتر جنبه علمی و بالاخره جنبه فکریش را در نظر گرفت اگر هم اشتباه کرده باشند عرض کردم که در این مورد بخصوص طوری نیست که ضرری بجائی برسد برای اینکه اگر دولت نظر داشت که این امر را بيك طور قطعی الان بیاید تعیین کند خوب بجای يك ماده سی چهل ماده تنظیم میکرد که چه جور باید بشود و بعد هم اگر بنا شد کسی عمل نکند مثلاً اخطار بهش خواهد شد و بعد هم چه میشود اینها را ما تمام ذکر میکردیم نه آقا ما این جا خواستیم بوسیله این ماده مردم را متوجه باین بکنیم که دولت حاضر است وسایل کار برای مردم تهیه بکند و آنها هم باید کار بکنند و سعی بکنند همان طور هم که خود آقا تصدیق کردید آتوقت برای يك همچو امری که اصلش محل حرف نمیتواند باشد و خودتان هم تصدیق دارید اگر چه تا چه يك اشتباهاتی هم در آن پیش بیاید قطعاً يك چیز هی غریب و عجیب نخواهد بود و ممکن است يك اشتباهی در این شود

ولی تصدیق فرمائید که در واقع نباید اداره فلاح و هیت دولت را يك اشخاص برانی فرض کنید که اشتباهات خیلی عجیبی خواهند کرد والا فرضاً يك اشتباهات کوچکی هم باشد بعد اصلاحش میکنیم بدهم بایستی باید به مجلس برای این که ضامن اجرای این حرفی را که امروز ما زدیم بعد معلوم شود برای این که خوب اگر امروز این دولتی آمد و يك نقشه غیر عدلی طرح کرد و يك اشخاصی هم نمایند این کار را بکنند حالا آمده اند برای او میخواهند يك مجازاتهای معین بکنند نکتیم هم این نقشه مان صحیح بود این چیزی نبود این اصل مطلب است و يك همچو مطلب ملایم و دقیقی را اینقدر در اطرافش نباید صحبت کرد و هیچ نه نظری به جنابالی داشتم و نه به آقای ملک مدنی و نه آقایان دیگری که صحبت کردند. گفتم اگر فرض کردیم که يك همچو سوء نظرهائی نسبت به کار دولت بود این منطقی داشت که ما آقدر اصرار کنیم در این جا و الا در صورتیکه اینطور نیست دیگر لزومی ندارد.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای امیر تیمور:

در ماده چهارده پیشنهاد میکند. بجای تصویب هیئت دولت نوشته شود - بتصویب مجلس شورای ملی برسد

پیشنهاد آقای دکتر طاهری:

مقام منبع ریاست دامت شوکته:

پیشنهاد میکنم که در ماده ۱۴ بجای (تصویب هیئت دولت)

نوشته شود بتصویب مجلس شورای ملی

پیشنهاد آقای هزار جری:

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکته:

چون در ماده ۱۴ نقشه اداره فلاح غیر معلوم که برای

تخلف از آن قانونی بدها وضع شود چون این ماده

موجب تشویب اذهان است بنده پیشنهاد میکنم این ماده

حذف شود بداز امتداد نقشه اداره کل فلاح اگر دولت

لازم بداند ماده واحد بیاورند

پیشنهاد آقای مخبر فرهمند:

ماده الحاقیه - در ایالات و ولایات انجمنهای مرکب از

مالکین و فلاحتین و صنعت کاران تشکیل میشود که نسبت

پاوشاخ و احوال اصلاحات و احتیاجات محلهای خود پیشنهادات و نقشه های مفید تهیه و بیابانک فلاحی مرکز ارسال دارند تا در ضمن اصلاحات عمومی نظریات مطلعین هر نقطه منظور گردد.

رئیس - آقای مددل مجموع قانون را پیشنهاد کرده اند که بوضع دیگری تنظیم شود. قرائت میشود:

اعتبار - بنده اجازه میخواهم آقا

رئیس - بفرمائید.

اعتبار - این هیچ سابقه ندارد يك همچو پیشنهادی در موقع خودش يك پیشنهاداتی می شود و در موقع هم قرائت می شود ولی بعد از تمام شدن لایحه مجموع قانون را از سر گرفتن و پیشنهاد کردن معنی ندارد ممکن است همینطور برود بکمیسیون والا سابقه ندارد که در مجلس قرائت شود.

رئیس - بنظر بنده برای پیشنهاد کنند محظوری نیست پیشنهاد خودش را هر طور که مقتضی بداند بدهد و زیاد هم مفضل نیست. پیشنهاد آقای مددل قرائت میشود: پیشنهاد آقای مددل:

مقام محترم ریاست مجلس دامت شوکته

قانون فروش خالصجات و سرمایه بانک فلاحی وضعی را بنده بشرح ذیل پیشنهاد مینمایم:

ماده ۱ - دولت مجاز است کلبه خالصجات را باستانی رقبات ذیل بقیمت ده مقابل حدود وسط عایدات سه ساله اخیر بدون آفت به بانک فلاحی و صنعتی واگذار نماید و این مبلغ ضمیمه سرمایه بانک مذکور شود.

املاک مزروعی حوزه طهران - میان دو آب - خالصجات سیستان و بلوچستان و پشتکوه و رستان و بنی طرف و هندوچان که ممکن است با قساطر بایلا عوض بزارعین

واگذار شود - اراضی خالصه واقعه در بنادز و اراضی خالصه در سواحل - املاکی را که دولت در هر حوزه برای مزرعه نمونه شدن مناسب میداند

ماده ۲ - مالیات این املاک از تاریخ واگذاری منطبق قانون مالیات املاک ارهابی خواهد بود و از روی عایدات سه ساله اخیر بدون آفت معین می شود که از مالک بعدی دریافت خواهد شد.

ماده ۳ - بانک فلاحی و صنعتی روی اصول بانکی معموله عالم منحصرأ سرمایه خود را برای انجام مقاصد ذیل می تواند فرض دهد

آبادی املاک لپزرع - ایجاد نوسه یا بهبودی محصولات فلاحی قابل مدور از مملکت - اصلاح نژاد حیوانات اهلی و معمولاتی که از حشم و مواشی بدست می آید - ایجاد بانک و تعمیر قنات و بطور کلی اصلاح امور آبیاری - جهت بسط و تکمیل کارخانهجات و آموزش صنعتی

ماده ۴ - کلیه مالکین مکلفند از این فرصت استفاده نموده با هدایت اداره کل فلاح و مویجات آبادی املاک خود را فراهم سازند تا مقررات قانونی که بعداً وضع می شود (نسبت به مالکین املاک مسلوب المنفعه) شامل آنها شود

رئیس - آقابیکه با ورود در شور دوم این لایحه موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - اجازه بفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است)

نظریه های مختلفی در باب جلسه آینده مداخله داشت و وجه حلش این شد که جلسه آینده استثنائاً

روز یکشنبه ۱۷ دی یک ساعت و نیم بعد از ظهر باشد (صحیح است)

(مجلس نیم ساعت بعد از نصف شب ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی .. دادگر

## قانون

اجازه ساختمان عمارات ثبت اسناد و املاک طهران از محل وجوه مأخوذه برای مخارج مقدماتی ثبت ماده واحده - دولت مجاز است از وجوهی که بابت مخارج مقدماتی ثبت اخذ شده پامی شود نامائلاً هشتصد هزار ریال برای مخارج ساختمان عماراتی که برای اداره کل ثبت اسناد و املاک در طهران لازم است فرض نموده و از محل منافع وجوه مذکور که در بانکها رگذاشته شده و همچنین محل کرایه محل ثبت اسناد طهران از اول فروردین ۱۳۱۶ استهلاكاً پردازد

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه دهم دی ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمس بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر